



پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران

شماره 5 جولای 2015



بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران

برخی حقوق محفوظ می باشند

1 2 3 4 17 16 15

این نوشتار توسط کارکنان بانک جهانی با همکاری مشارکت کنندگان دیگر تهیه شده است. یافته ها، تفاسیر، و نتیجه گیری های ذکر شده در این نوشتار لزوماً بازتاب دهنده دیدگاه های بانک جهانی، هیأت مدیره آن و یا دولت هائی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند نیست. بانک جهانی دقت اطلاعات ذکر شده در این نوشتار را تضمین نمی کند. مرزها، رنگ ها، واحدهای پول و سایر اطلاعات نشان داده شده در هر یک از نقشه های این نوشتار به هیچ وجه بیانگر قضاوتی از سوی بانک جهانی در خصوص وضعیت قانونی و حقوقی هیچ منطقه یا به منزله تأیید یا پذیرش آن مرزها و محدوده ها نمی باشد.

هیچیک از مطالب ذکر شده در این نوشتار به منزله محدودیت و یا معافیت از مزایا و مصونیت های بانک جهانی نیست و نمی بایست چنین تلقی گردد، و کلیه حقوق مربوطه محفوظ می باشند.

حقوق و مجوزها



این نوشتار تحت مجوز انتصاب کرییتیو کامنز 3.0 IGO (CC BY 3.0 IGO) در <http://creativecommons.org/licenses/by/3.0/igo> دسترس قرار دارد. شما بر اساس مجوز ذکر مرجع کرییتیو کامنز اجازه دارید در شرایط زیر این نوشتار را حتی برای مقاصد تجاری کپی، توزیع، مخابره و اقتباس نمایید:

ذکر مرجع - لطفاً مشخصات نوشتار را به شرح زیر قید کنید شانتا یواراجان و لیلی متقی، 2015 "پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران" فصلنامه گزارش اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا، (جولای)، بانک جهانی، واشنگتن دی سی.

مجاز: 10.1596/10.1596/978-1-4648-0702-2 Doi: مجوز ذکر مرجع کرییتیو کامنز CC BY 3.0

مجاز: مجوز ذکر مرجع کرییتیو کامنز CC BY 3.0 IGO

ترجمه ها - اگر این نوشتار را ترجمه می کنید، لطفاً اعلامیه سلب مسئولیت زیر را به همراه مرجع اضافه کنید: این ترجمه توسط بانک جهانی تهیه نشده و نمی بایست بعنوان یک ترجمه رسمی بانک جهانی تلقی گردد. بانک جهانی هیچ مسئولیتی در قبال محتوا و یا خطاهای ترجمه نمی پذیرد.

اقتباس ها - اگر این نوشتار را اقتباس می کنید، لطفاً اعلامیه سلب مسئولیت زیر را به همراه مرجع اضافه کنید: این یک اقتباس از نوشتار اصلی بانک جهانی است. مسئولیت دیدگاه ها و نظرات بیان شده در این اقتباس صرفاً با نویسنده یا نویسندگان نوشتار اقتباسی بوده و مورد تأیید بانک جهانی نمی باشند.

مطالب اشخاص ثالث - بانک جهانی لزوماً مالک تمام بخش های مطالب موجود در این نوشتار نیست. ولذا بانک جهانی تضمین نمی نماید که استفاده از هیچیک از بخش های مجزای متعلق به اشخاص و طرف های ثالث که در این نوشتار موجود هستند باعث خدشه دار شدن حقوق آن اشخاص و طرف های ثالث نخواهد شد. ریسک دعاوی و ادعاهای قانونی ناشی از این تخطی هائی صرفاً و منحصرأ با شما می باشد. اگر مایل بودید از بخشی از این نوشتار استفاده کنید، موظف هستید که شخصاً بررسی کرده و ببینید آیا برای استفاده نیاز به کسب مجوز هست یا خیر و سپس متناسباً مجوز لازم را از دارنده حق کپی رایت دریافت نمایید. بخش به معنی جداول، شکل ها یا تصاویر می باشد اما فقط محدود به آنها نیست.

کلیه پرسش ها درباره حقوق و مجوزها باید به این نشانی ارسال گردد: Publishing and Knowledge Division, The World Bank, 1818 H Street NW, Washington, DC 20433, USA ایمیل: pubrights@worldbank.org؛ فکس 202-522-2625

ISBN (الکترونیک): 978-1-4648-0702-2

DOI: 10.1596/978-1-4648-0702-2

تصویر روی جلد: ©iStock

بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا
فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران

تقدیر و تشکر

فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا MENA توسط دفتر معاونت اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) بانک جهانی تهیه شده است. این گزارش مکمل گزارش نیم سالانه تحولات اقتصادی MENA بانک جهانی است.

این گزارش توسط لیلی متقی (Lili Mottaghi) اقتصاددان بانک جهانی با گردآوری اطلاعات از Elena Ianchovichina و Hadi Salehi Esfahani تحت نظر شانتا دیواراجان (Shanta Devarajan)، اقتصاددان ارشد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) تهیه گردیده است. Youssouf Kiendrebeogo در زمینه پژوهش و Isabelle Chaal-Dabi و Nathalie Lenoble در زمینه اداری و گردآوری اطلاعات ما را حمایت و کمک کرده اند. از Farrukh Iqbal و Abdoulaye Sy بخاطر نظراتشان تشکر کنیم.

فهرست مطالب

1..... نکات برجسته

3..... پیامدهای جهانی

- 3..... قیمت نفت
4..... تجارت متقابل
8..... سرمایه گذاری مستقیم خارجی

10..... پیامدهای ملی

- 10..... اقتصاد کلان
12..... بخش های اقتصادی
13..... بازار کار
15..... مدیریت درآمدهای غیرمترقبه اقتصادی
19..... منابع

ضمانت

- 21..... اجرای یک مدل جهانی حذف تحریم های ایران ضمیمه 1
24..... برآورد زیان درآمد صادراتی ایران بر اثر تحریم ها ضمیمه 2
27..... توان بالقوه ایران برای رشد صادرات پس از تحریم ها ضمیمه 3

کادرها

- 2..... زمان بندی تحریم های بین المللی ایران کادر 1
18..... تجربه ایران با درآمدهای غیرمترقبه نفتی کادر 2

شکل ها

- 3..... صادرات نفت خام و میعانات نفتی ایران شکل 1
5..... 10 شریک برتر صادرات ایران شکل 2a
6..... 10 شریک برتر واردات ایران شکل 2b
9..... ورود FDI به ایران و بر حسب بخش شکل 3
11..... وضعیت اقتصاد کلان ایران شکل 4
13..... تولید خودرو، هزار دستگاه شکل 5

جداول

- 6..... زیان صادراتی ایران بر اثر تحریم های بین المللی در دوره 2012-2014 جدول 1
12..... رشد واقعی GDP، درصد جدول 2
15..... رویه های بازار کار در ایران بر حسب جنسیت جدول 3

جداول ضمیمه

- 25..... نتایج تخمین ها برای صادرات جدول 1 ضمیمه
26..... نتایج تخمین ها برای واردات جدول 2 ضمیمه
31..... شاخص های اقتصاد کلان ایران جدول 3 ضمیمه

شکل های ضمیمه

- 22..... پیامدهای لغو تحریم ها بر قیمت نفت شکل 1 ضمیمه
28..... مقصد صادرات ایران شکل 2 ضمیمه

نکات برجسته

جولای معمولاً ماه آرام و بی تلاطمی پیش از تعطیلات آگوست است اما امسال در این ماه در صحنه اقتصاد جهانی شاهد تغییر و تحولات زیاد و حتی خارج از روال بوده ایم. نخست، بحران بدهی یونان رخ داد و در پی آن شاهد برگزاری یک همه پرسی برای تعیین تکلیف درباره شرایط بازپرداخت بدهی و مذاکرات متعاقب آن درباره کاهش بدهی بودیم. پس از آن واقعه بازار سهام چین را نظاره گر بودیم که از نقطه اوج خود در اواسط ژوئن حدود 30 درصد افت کرد و بر نگرانی ها دامن زد که شاید آهنگ کاهش سرعت رشد از آنچه تصور می شد تندتر بوده باشد. و نهایتاً ایران و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان (P5+1) در 14 جولای 2015 بر سر برنامه هسته ای ایران به توافق رسیدند و این توافق منجر به لغو تحریم های بین المللی اعمال شده بر ایران خواهد شد (کادر 1). در این شماره از فصلنامه گزارش اقتصادی MENA (QEB - Quarterly Economic Brief) به بررسی پیامدهای آخرین خبر یعنی لغو تحریم های ایران بر بازار جهانی نفت، بر شرکای تجاری ایران و اقتصاد ایران می پردازیم.

قابل ذکرترین تغییر، بازگشت ایران به بازار نفت است. بانک جهانی تخمین زده است که اضافه شدن تدریجی یک میلیون بشکه در روز (mb/d) نفت ایران، با فرض اینکه هیچیک از دیگر صادرکنندگان نفت و اکنش استراتژیکی خاصی نداشته باشند می تواند قیمت نفت را به اندازه 14 درصد یا 10 دلار در سال 2016 کاهش دهد. واردکنندگان نفت شامل کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) و آمریکا (US) از این وضعیت بهره خواهند برد در حالیکه صادرکنندگان نفت و علی الخصوص کشورهای حوزه خلیج فارس متضرر خواهند گردید.

ثانیاً، بعد از کاهش تحریم ها و محدودیت های موجود بر مبادلات مالی، تجارت و بازرگانی ایران که هم به لحاظ کلی افت کرده و هم از اروپا به سمت آسیا و خاورمیانه سوق پیدا کرده است، توسعه خواهد یافت. تخمین های بانک جهانی نشان می دهد حجم صادرات ایران در طول دوره 2014 - 2012 به میزان 17.1 میلیارد دلار یعنی معادل 13.5 درصد کل صادرات آن دوره کاهش یافته است. بر اساس تحلیل های ما کشورهای ما که از بیشترین افزایش حجم تجارت با ایران پس از تحریم ها برخوردار خواهند بود عبارتند از بریتانیا، چین، هند، ترکیه و عربستان سعودی.

ثالثاً، اقتصاد ایران پس از دو سال رکود تزیق درآمدهای افزایش یافته نفتی - تخمین محافظه کارانه قریب به 15 میلیارد دلار در نخستین سال - توسعه تجارت و کاهش هزینه های تجاری شاهد یک جهش قابل توجه خواهد بود. علاوه بر این برآوردها حاکی از آنند که ایران حدود 100 میلیارد دلار دارائی های مسدود شده در خارج از کشور دارد (شامل سرمایه گذاری در پروژه های نفتی خارجی) که 29 میلیارد دلار آن که مربوط به دارائی های بانک مرکزی و درآمدهای نفتی است فوراً پس از لغو تحریم ها آزاد خواهند شد. نهایتاً، پیش بینی می شود سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) که پس از تنگتر شدن دایره تحریم ها در سال 2012 میلیاردها دلار کاهش یافته بود افزایش یابد. پس از آوریل 2015 و تعیین چارچوب توافقات، برخی شرکت های چندملیتی خارجی بالاخص در زمینه نفت و گاز تمایل خود را به سرمایه گذاری نشان داده اند. بانک جهانی پیش بینی نموده است که FDI نهایتاً ظرف چند سال به 3 - 3.5 میلیارد دلار افزایش یابد یعنی دو برابر سال 2015 ولی هنوز از نقطه اوج سال 2003 فاصله دارد.

اقتصاد ایران علاوه بر کاهش سرعت رشد در طول سالیان تحریم دچار یک جابجائی بنیادی شد و صنایع نفت، خودسازی، فن آوری و تسلیحات، ساخت و ساز و مالی کشور بیش از سایر بخش ها افت کردند. با لغو تحریم ها این بخش ها محتملاً شاهد توسعه و رشد خواهند بود.

کادر 1. زمان بندی تحریم های بین المللی ایران

نوامبر 1979 - آمریکا نخستین تحریم ها را بر علیه ایران وضع نمود و واردات از ایران را ممنوع و 12 میلیارد دلار از دارائی های را ضبط نمود. مارس 1995 - شرکت های آمریکائی از سرمایه گذاری در نفت و گاز ایران و تجارت با ایران منع شدند.

آوریل 1996 - کنگره قانونی به تصویب رساند که بر اساس آن دولت آمریکا می بایست شرکت های خارجی را که بیش از 20 میلیون دلار در سال در بخش انرژی سرمایه گذاری می کنند مورد تحریم قرار دهد.

دسامبر 2006 - شورای امنیت سازمان ملل تجارت با ایران در زمینه مواد و اقلام و فن آوری های مربوط به صنعت هسته ای را مورد تحریم قرار داد و دارائی های افراد و شرکت ها را ضبط نمود.

اکتبر 2007 - آمریکا دور جدیدی از تحریم ها را بر علیه ایران اعلام نمود، که از 1979 تا به آن تاریخ جزو سخت ترین تحریم ها به شمار می آمدند. شورای امنیت سازمان ملل تحریم های اقتصادی و تجاری بر علیه تهران را تشدید نمود.

ژوئن 2010 - شورای امنیت سازمان ملل دور چهارم تحریم ها را بر علیه ایران و برنامه هسته ای آن وضع نمود که در طی آن، موانع مالی سخت گیرانه تر و تحریم های توسعه یافته ای در خصوص تسلیحات اعمال گردیدند.

ژانویه 2012 - آمریکا تحریم هائی را برای عواید صادرات نفت ایران بر علیه بانک مرکزی این کشور وضع نمود. ایران تهدید به بستن تنگه هرمز و مسدود کردن جریان حمل نفت از این منطقه کرد.

ژوئن 2012 - آمریکا بانک های جهان را از انجام تراکنش های مربوط به نفت با ایران منع نمود و هفت مشتری عمده یعنی هند، کره جنوبی، مالزی، آفریقای جنوبی، سریلانکا، تایوان و ترکیه را در ازای قطع واردات نفت از ایران مورد بخشودگی از تحریم های اقتصادی قرار داد.

جولای 2012 - بایکوت صادرات نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا به مورد اجراء درآمد.

اکتبر 2012 - برابری ریال، واحد پول ایران در مقابل دلار آمریکا به پایین ترین میزان خود از 2011 کاهش یافت و حدود 50% ارزش خود را از دست داد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا تحریم های گسترده تری را بر علیه ایران وضع نمودند و بانک ها، تجارت و واردات گاز را هدف قرار داده و دارائی های اشخاص و شرکت هائی را که فن آوری در اختیار ایران قرار می دادند ضبط نمودند.

نوامبر 2013 - ایران در مذاکرات خود با گروه P5+1 - آمریکا، بریتانیا، روسیه، چین، فرانسه و آلمان در ژنو موافقت کرد در ازای حدوداً 7 میلیارد دلار کاهش تحریم ها، غنی سازی اورانیوم بالای 5% را متوقف ساخته و امکان دسترسی بهتر بازرسان سازمان ملل را فراهم سازد.

آوریل 2015 - ایران و اتحادیه اروپا به چارچوب توافق هسته ای دست یافتند و قرار شد توافق نهائی در جولای 2015 منعقد گردد که به همراه آن تحریم های اتحادیه اروپا و آمریکا لغو خواهند شد.

14 جولای 2015 - قدرت های جهانی با ایران بر سر محدود سازی فعالیت های هسته ای ایران در مقابل لغو تحریم ها به توافق رسیدند.

20 جولای 2015 - سازمان ملل متحد توافق هسته ای را تصویب کرد.

منبع: رسانه های مختلف بین المللی.

تمام این تغییرات اقتصادی با جابجائی منابع از یک کاربرد به کاربردی دیگر همراه هستند. مهم ترین جنبه کاهش تحریم ها این است که امکان انتقال منابع به جایی که بازدهی بیشتری دارند را بوجود می آورد، یعنی جایی که اقتصاد می تواند با بازدهی بالاتر تولید کند. بعنوان مثال، ایران اینک می تواند کالاهائی را تولید و صادر کند که در بازارهای جهانی بالاترین قیمت ها را تصاحب می کنند و کالاهای وارداتی را با پایین ترین قیمت خریداری کند. بطور خلاصه می توان کاهش تحریم ها را به مثابه یک درآمد غیرمترقبه در اقتصاد ایران دانست. بانک جهانی تخمین زده است که حجم این درآمد غیرمترقبه معادل 13 میلیارد دلار بهره رفاهی یا 2.8 درصد بودجه رفاهی کنونی است. ولیکن بمانند تمام درآمدهای غیرمترقبه باید آنها را بطور اصولی مدیریت کرد تا بتوانند مزایای پایدار برای مردم داشته باشند. خصوصاً اینکه با ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد، نرخ تبدیل افزایش خواهد یافت. این امر اگرچه واردات را ارزان تر خواهد ساخت اما از ویژگی رقابتی صادرات غیرنفتی می کاهد. ایران این پدیده را در سال های اوایل دهه 2000 میلادی زمانی که قیمت نفت در اوج قرار داشت (و تحریم ها محدودیت آفرین نبودند) تجربه کرده است. بسیاری از صنایع صادراتی با مشکل روبرو شدند. در واقع فقط صنایع پتروشیمی و صنایع شیمیائی پیشرفت داشتند، البته باید به این نکته نیز توجه داشت که آنها یارانه های بسیار هنگفتی منجمله یارانه مصرف سوخت دریافت می کردند. با لغو تحریم ها دولت ایران این فرصت را بدست می آورد که یک مجموعه سیاست برای بهره گیری حداکثری اقتصاد از این درآمدهای غیرمترقبه تدوین نماید و اقتصاد کشور را به سمت رشد و توسعه پایدار سوق دهد.

پیامدهای جهانی

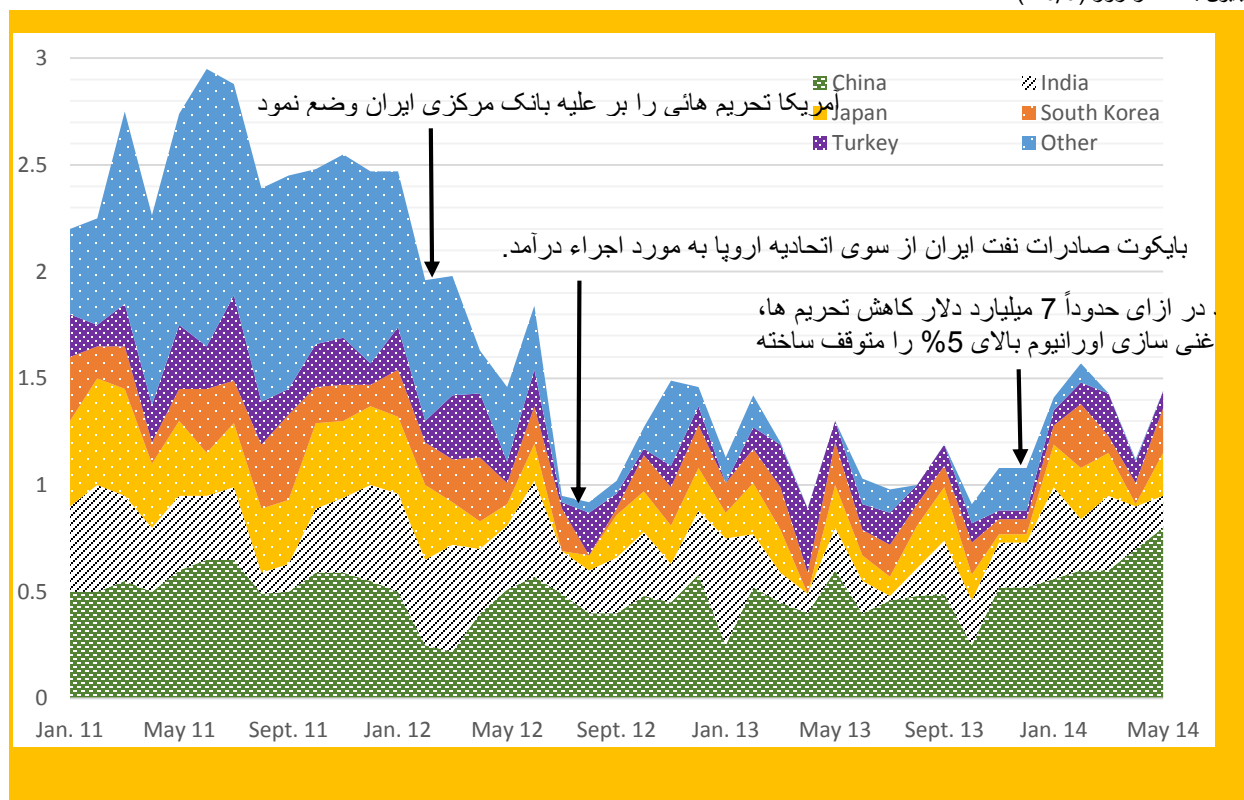
لغو تحریم ها پیش از توافق هسته ای 14 جولای 2015 و گشوده شدن اقتصاد ایران از دو منظر بر اقتصاد جهانی تأثیر خواهد گذاشت: (i) قیمت جهانی نفت؛ و (ii) تجارت متقابل.

قیمت نفت

تشدید تحریم ها در 2012 که منجر به ممنوعیت خرید و حمل نفت خام و گاز طبیعی ایران به اتحادیه اروپا شد مشخصاً صنعت نفت ایران را تحت تأثیر قرار داد. صادرات ایران ظرف مدت یک سال از 2.8 میلیون بشکه در روز در جولای 2011 به زیر 1 میلیون بشکه در روز در جولای 2012 کاهش یافت (شکل 1). مسیب نیمی از کاهش صادرات نفت، بایکوت نفت ایران از سوی شرکت های اروپائی بود. نیم دیگر را نیز باید مربوط به کاهش خرید از سوی کشورهای آسیائی دانست (رجوع شود به کادر 1). ممنوعیت بیمه کردن محموله های نفت ایران از سوی شرکت های اروپائی مانعی بر سر راه فروش نفت خام ایران به تمام مشتریان به شمار می آمد.

شکل 1. صادرات نفت خام و میعانات نفتی ایران

میلیون بشکه در روز (mb/d)



منبع: سازمان اطلاعات انرژی آمریکا (EIA).

از 2014 به این سو با لغو بخشی از تحریم ها، صادرات نفت کمی بهبود یافت چون کشورهای غیر اتحادیه اروپا راه های دیگری برای جایگزینی پوشش بیمه ای شرکت های عضو اتحادیه اروپا یافتند. برخی از کشورهای آسیایی تضمین های مستقلى برای کشتی های حامل نفت خام و میعانات نفتی ایران صادر نمودند. چین و هند نیز پذیرش تضمین های ایرانی برای کشتی های حامل نفت را به پالایشگاه های خود آغاز کردند. امروز، چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و ترکیه بزرگترین خریداران نفت خام و میعانات نفتی ایران می باشند. با این وجود صادرات ایران به سطح پیش از وضع تحریم ها بازنگشته است (شکل 1).

با توافق هسته ای و لغو تحریم ها، ایران می تواند تدریجاً صادرات نفت خود را افزایش دهد. اگرچه از سرگیری تولید نفت به دلیل کمبود سرمایه گذاری در این بخش به مدتی زمان نیاز خواهد داشت اما اکثر ناظران بر این اعتقادند که صادرات نفت خام ایران می تواند ظرف 8 الی 12 ماه به سطوح قبل از 2012 برسد. این به معنی ورود 1 میلیون بشکه/روز نفت خام اضافی به بازار نفت است. شبیه سازی های انجام شده با یک مدل قابل محاسبه تعادل عمومی چند کشوری، چند بخشی (CGE - Computable General Equilibrium) نشان می دهد که قیمت جهانی نفت در نبود مداخله های سیاست گذاری اعضای اوپک و سایر تولیدکنندگان نفت به میزان 14 درصد کاهش خواهد یافت (به ضمیمه 1 رجوع کنید).¹ اگر فرض کنیم که قیمت قراردادهای آتی نفت برای تحویل در دسامبر 2015 برابر 66 دلار به ازای هر بشکه باشد، این امر می تواند قیمت نفت را تا رقم تخمینی 56 دلار کاهش دهد. بانک جهانی برآورده کرده است که 10 دلار افت قیمت نفت می تواند تراز مالی صادرکنندگان عمده نفت در منطقه MENA را با زیان روبرو سازد، و این رقم در عربستان سعودی به میزان 5 درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) و در لیبی به میزان 10 درصد GDP خواهد بود. این معادل 40 میلیارد دلار ضرر برای عربستان سعودی و 5 میلیارد دلار ضرر برای لیبی از محل درآمد سالیانه صادرات نفت است. ایران کمتر از باقی کشورهای صادرکننده نفت از این موضوع تأثیر خواهد دید چونکه درآمدهای اضافی ناشی از افزایش صادرات نفت در کفه ترازو از تبعات منفی افت قیمت نفت سنگین تر است. تراز فعلی تمام صادرکنندگان نفت منطقه MENA نیز نزول خواهد یافت. در بین اما واردکنندگان نفت از کاهش قیمت جهانی نفت منتفع خواهند شد. اتحادیه اروپا و آمریکا که بزرگترین واردکنندگان نفت هستند بیشترین بهره قطعی را خواهند داشت ولیکن سهم GDP آنها چندان تأثیری نخواهد دید. کشورهای دارای صنایع گسترده پتروشیمی، شامل آمریکا، روسیه و اسرائیل و نیز کشورهای عضو اتحادیه اروپا شاهد افزایش تولید خود خواهند بود (lanchovichina و همکاران، 2015).

اگرچه از سرگیری صادرات نفت ایران و بازگشت آن به مقادیر قبل از 2011 مدتی زمان خواهد برد اما بازار نفت در واکنش آتی خود 30 الی 40 میلیون بشکه نفت خام و میعانات نفتی ذخیره ایران در خلیج فارس را در نظر خواهد گرفت. بسیاری از ناظران بر این اعتقادند که ایران قادر است آنرا روزانه 400000 الی 500000 بشکه از این ذخیره خود را صادر کند - که حدود سه ماه ادامه خواهد یافت - و سپس خود را آماده افزایش قابل توجه صادرات نفت در چند ماه بعد خواهد کرد. لذا پیامدهای کوتاه مدت بر قیمت نفت کماکان نزولی پیش بینی می شوند اما کمتر از ارقام مربوط به زمانی خواهند بود که ایران ظرفیت صادرات نفت خود را بطور کامل بدست آورد.

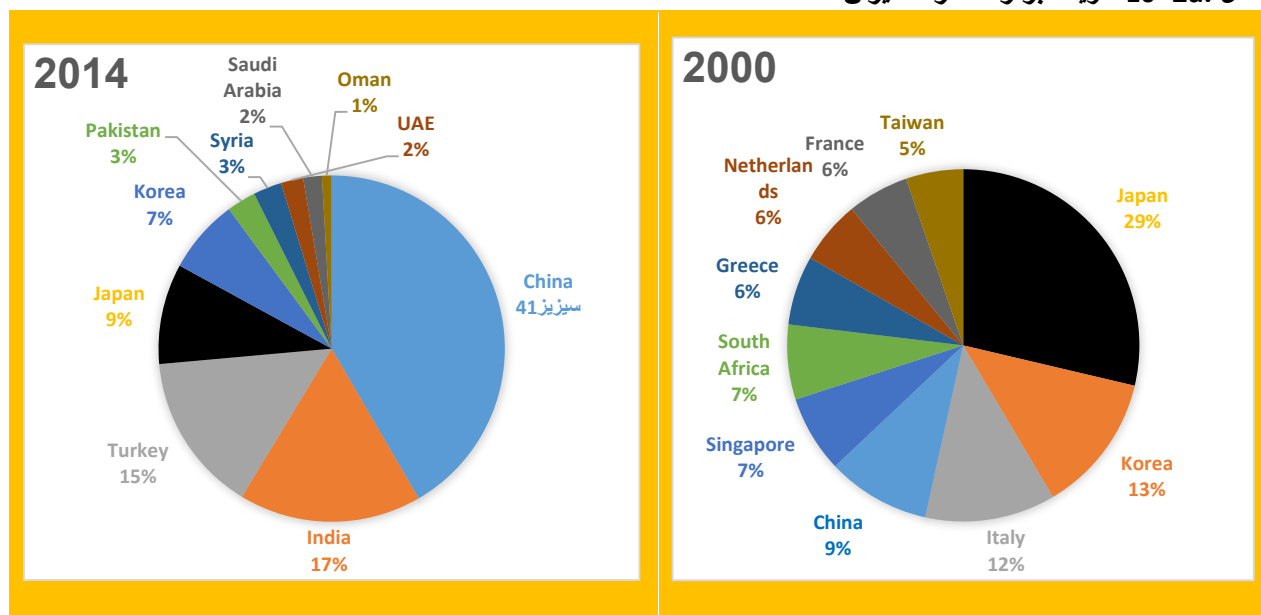
تجارت متقابل

کشورهای اروپائی منجمله آلمان، فرانسه، ایتالیا و یونان در نیمه نخست سال های دهه 2000 بزرگترین شرکای تجاری ایران به شمار می آمدند که بیش از یک سوم حجم کل صادرات و واردات ایران را به خود اختصاص می دادند. این سهم بعد از 2005 و اتخاذ سیاست "نگاه به شرق" رئیس جمهور پیشین احمدی نژاد بطور قابل ملاحظه ای کاهش یافت. در سال 2011 چین، هند و کره جنوبی به ترتیب بزرگترین شرکای تجاری ایران بودند درحالیکه سهم ایتالیا، یونان و اسپانیا از کل

¹ قیمت نفت خام برنت بعد از اعلام توافق هسته ای 14 جولای 2 در صد کاهش یافت و به بشکه ای 57.43 دلار رسید.

تجارت با افت شدیدی روبرو شد. تشدید تحریم ها در سال 2012 ایران را بیشتر از پیش به سوی آسیا و به ویژه چین و هند، و نیز ترکیه و امارات متحده عربی (UAE) سوق داد (شکل های 2a و 2b). صادرات ایران به اتحادیه اروپا در سال های 2014 - 2012 به حالت تعلیق درآمد و واردات در همان دوره بیش از 50 درصد کاهش یافت. تجارت با آمریکا در سال های 2014 - 2012 به حداقل کاهش یافته بود. تحریم ها عملاً مانع تمام مبادلات تجاری میان آمریکا و ایران می شدند، به استثنای اقلام مربوط به فعالیت های بشردوستانه شامل صادرات دارو و تجهیزات کشاورزی، کمک های بشردوستانه و مطالبات اطلاع رسانی. بیش از نیمی از صادرات ایران در سال 2014 به چین و هند اختصاص داشت و حدود سه چهارم واردات آن از امارات متحده عربی و چین صورت گرفت (شکل های 2a و 2b). اما بعد از 2012 حتی تجارت با کشورهای آسیایی به خاطر تحریم هایی که مبادلات مالی با این کشورها را محدود می ساخت رو به نزول گذاشت.

شکل 2a. 10 شریک برتر صادرات ایران

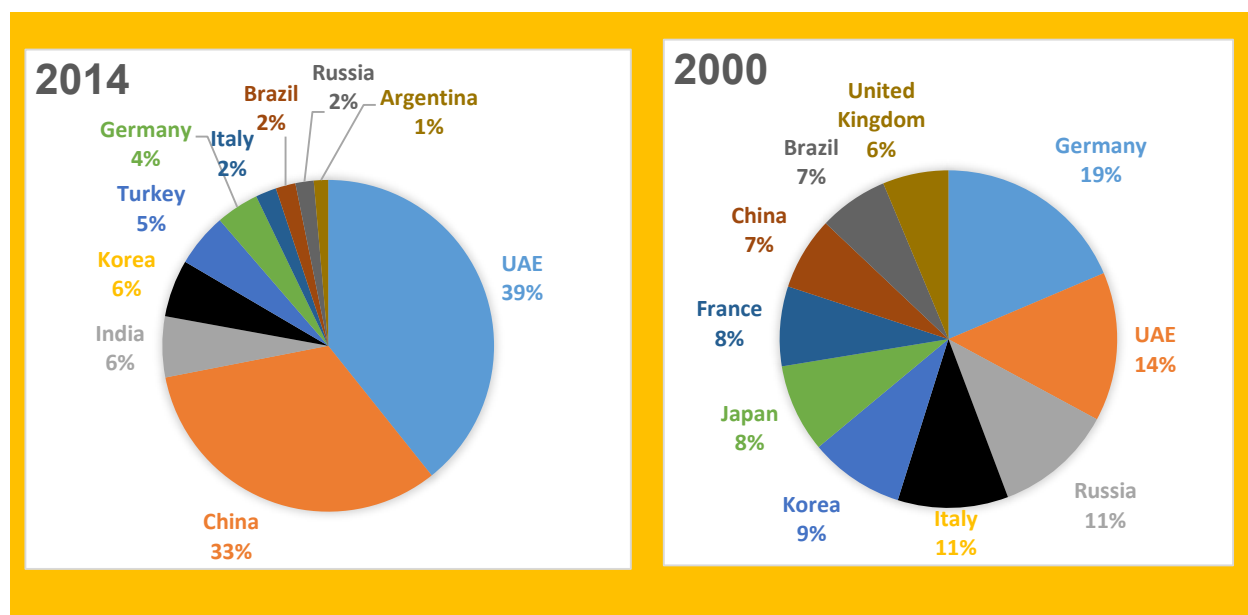


منبع: آمار رویکردهای تجاری IMF.

درباره ابعاد کمی پیامدهای تحریم های بین المللی بر تجارت متقابل ایران و شرکای تجاری آن اطلاعات ناچیزی در دست است. به همین دلیل، در تحلیل های این بخش از یک مدل تجاری برای تخمین پیامدهای تحریم ها استفاده شده و نتایج آن برای محاسبه عایدی صادراتی ایران بعد از لغو تحریم ها بکار برده شده اند. از یک مدل اصلاح شده وزن تجاری برای پیش بینی جریان تجاری میان ایران و شرکای تجاری عمده آن در طول دوره 2000 - 2014 استفاده شده است (ضمیمه 2 را ملاحظه کنید). ضرائب برآورد شده برای GNPها را می توان بعنوان گشش تجاری رشد و ضرائب متغیرهای موهومی را می توان بعنوان درصد جابجائی صادرات در هنگام اجرای تشدید تحریم ها در نظر گرفت (در 2012، 2013 و 2014). این برآوردها علائم مورد انتظار را دارا بوده و به استثنای چند کشور در سطوح اطمینان 95 درصد یا بالاتر قابل اعتنا هستند (برای مشاهده مدل های تجاری و نتایج برآورد به ضمیمه 2 رجوع کنید). همانگونه که انتظار می رفت، تحریم ها اثر قابل توجهی بروی جریان تجارت متقابل داشته و حجم آنها را بطور پیوسته در گذر زمان کاهش داده اند.²

² درباره مدل مورد استفاده در Gary Clyde Hufbauer و همکاران بطور مشروح توضیح داده شده است (1997). این مدل شامل متغیرهای دیگری هم بود که انتظار می رود بر تجارت اثرگذار باشند اما برای منظور این تحلیل از متغیر "مسافت" و "زبان" به دلیل کمبود اطلاعات و نیز اینکه در اکثر موارد قابل توجه نبودند چشم پوشی کردیم. متغیرهای مستقل لگاریتم (GNPj*GNPi) تولید ناخالص ملی (در اینجا درآمد) برای هر جفت کشور، یک سری متغیر موهومی بکار رفته برای لحاظ نمودن وجود تحریم ها در سال های 2012، 13 و 14 و متغیر وابسته، لگاریتم صادرات میان دو کشور است که بر حسب دلار آمریکای فعلی کشور i و کشور j بیان شده است. تخمین های این مدل بصورت لگاریتمی-خطی هستند.

شکل 2b. 10 شریک برتر واردات ایران



منبع: آمار رویکردهای تجاری IMF.

یافته های تحلیل نشان می دهند که تشدید تحریم های آمریکا و اتحادیه اروپا منجر به 17.1 میلیارد دلار زیان از محل درآمد صادراتی در دوره 2012 - 2014 شده است که معادل 13.5 درصد کل درآمدهای صادراتی و حدود 4.5 درصد GDP می باشند (جدول 1). ایران به ویژه حدود 7.5 میلیارد دلار از درآمد صادراتی خود به ژاپن، و پس از آن 4.4 میلیارد دلار به کره جنوبی و 3.9 میلیارد دلار از کل صادرات خود به کشورهای اروپایی را از دست داده است. در میان کشورهای اروپایی، صادرات به ایتالیا با 2.9 میلیارد دلار زیان شدیدترین کاهش را نشان می دهد و پس از آن آلمان و فرانسه قرار دارند. حجم تجارت با تنها چند کشور از منطقه گسترده MENA، آسیای میانه و جنوب آسیا دستخوش تغییر گردید. به ویژه مبادلات با مراکش، قطر و تونس در همان دوره کاهش یافت. ضرائب متغیر مستقل (لگاریتم GNPها) در مدل های صادرات، کاهش درآمدی صادرات را نشان می دهند و می توان از آنها برای تخمین حجم تجارت متقابل در هر زوج کشور استفاده کرد. کاهش درآمدی صادرات دارای علائم مورد انتظار بوده و در کلیه موارد به استثنای مراکش دارای اهمیت آماری می باشند (به جدول 1 ضمیمه رجوع کنید). در مورد اردن و آمریکا، کاهش در سطح 90 درصد قابل توجه نیستند. 4 کشور از میان 28 کشور دارای کاهش نقطه تخمینی نزدیک و یا بزرگتر از یک هستند. برای آن کشورها، صادرات بسیار سریعتر از تغییرات درآمد ملی افزایش خواهد یافت. برای باقی کشورهای، کاهش های تخمینی بین 0.2 تا 0.8 می باشند.

جدول 1. زیان صادراتی ایران بر اثر تحریم های بین المللی در دوره 2012 - 2014

صادرات	صادرات در سال 2011 میلیون دلار آمریکا	ضریب تخمینی تحریم ها	زیان تخمینی صادرات در 2012 - 2014 به میلیون دلار آمریکا
ژاپن	11,688	-0.5	7,542
کره جنوبی	10,303	-0.3	4,403
ایتالیا	6,762	-2.1	2,899

سنگاپور	2,022	-3.8	979
آلمان	907	-0.8	535
فرانسه	2,225	-3.6	214
آمریکا	1	-2.8	4
بریتانیا	525	-1.1	165
هلند	2,000	-3.4	307
منطقه MENA			
مراکش	10	-5.0	3
قطر	58	-0.6	57
تونس	8	-0.7	7
مجموع			17,114

منبع: Mottaghi (2015). درصد تغییر حجم تجارت با به توان رساندن ارزش ضریب برای متغیر موهومی و منها کردن 1 محاسبه می شود. بعنوان مثال ضریب تحریم برای ژاين 0.5- است. ارزش عدد طبیعی e به توان 0.5- برابر 0.60 می باشد. این نشان می دهد که حجم تجارت متقابل با تأثیر پذیرفتن از تشدید تحریم ها تنها 0.61 برابر یا 40 درصد پایین تر از وضعیتی است که تحریم ها وجود نداشته باشند.

اگر تحریم ها لغو و حجم تجارت افزایش یابد، تخمین های بانک جهانی نشان می دهد که صادرات برای آن دسته از شرکای تجاری که کثش درآمدی صادرات آنها بیش از یک بوده است به میزان قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت (به جدول 1 ضمیمه رجوع کنید). این کشورها عبارتند از بریتانیا، چین، هند، ترکیه و عربستان سعودی. یک درصد افزایش درآمد ملی، صادرات به این کشورها را بیش از 1 درصد توسعه خواهد داد. به احتمال زیاد این شامل یک افزایش قابل توجه صادرات نفت و گاز به هند و چین خواهد بود (آنها سرمایه گذاری های عمده ای نیز در ایران داشته اند). از سرگیری تجارت با بریتانیا نیز شامل برقراری دوباره صادرات نفت و گاز خواهد بود که قبلاً متوقف شده بود. حجم تجارت با روسیه، کره جنوبی، تاجیکستان، پاکستان و هنگ کنگ احتمالاً پس از لغو تحریم ها افزایش خواهد یافت ولیکن نه به اندازه گروه اول، چون کثش درآمدی صادرات آنها بین 0.7 تا 0.8 است. کثش برای بقیه کشورها منجمله فرانسه، آلمان، ایتالیا و امارات متحده عربی در محدوده 0.2 تا 0.6 است، بدین مفهوم که تجارت با آن کشورها پس از لغو تحریم ها افزایش خواهد یافت ولی با حجم کمتر از دو گروه دیگر.

امارات متحده عربی، هند، کره جنوبی و ترکیه در سال 2013 در زمره 5 شریک برتر واردات ایران بوده اند در حالیکه سهم آمریکا و کشورهای اروپایی (به استثنای آلمان) عملاً صفر بوده است. یافته این پژوهش نشان می دهد که تجارت پس از لغو تحریم ها می تواند به سمت گروه مؤخر کشورها متمایل شود. ضرائب متغیرهای موهومی برای کشورهای اروپایی (فهرست کشورها در جدول 2 ضمیمه موجود است) دارای علامت منفی بوده و از لحاظ آماری اهمیت دارند، و این امر نشان می دهد که تحریم ها واردات از این کشورها را کاهش داده است. اگر باب اقتصاد ایران گشوده شده و تجارت از سر گرفته شود، واردات به احتمال زیاد به سمت آمریکا، آلمان، هلند و در آسیا به سمت کره جنوبی، چین و سنگاپور سوق پیدا خواهد کرد که جملگی کثش درآمدی واردات بین 0.5 تا 0.8 دارند در حالیکه باقی کشورهای ذکر شده در فهرست به استثنای هنگ کنگ که کثش درآمدی 1.4 دارد، کثش های زیر 0.3 دارند. در حوزه گسترده تر کشورهای MENA (فهرست کشورها در جدول 2 ضمیمه موجود است) احتمال افزایش واردات از امارات متحده عربی، ترکیه، عمان و پاکستان

وجود دارد که کشش واردات همگی آنها نزدیک به 1³ یا بزرگتر از آن است. توسعه صادرات و واردات می تواند بر اقتصاد شرکای تجاری متقابل ایران و بالخصوص امارات متحده عربی تأثیر مثبت داشته و رشد آنها را افزون سازد.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی

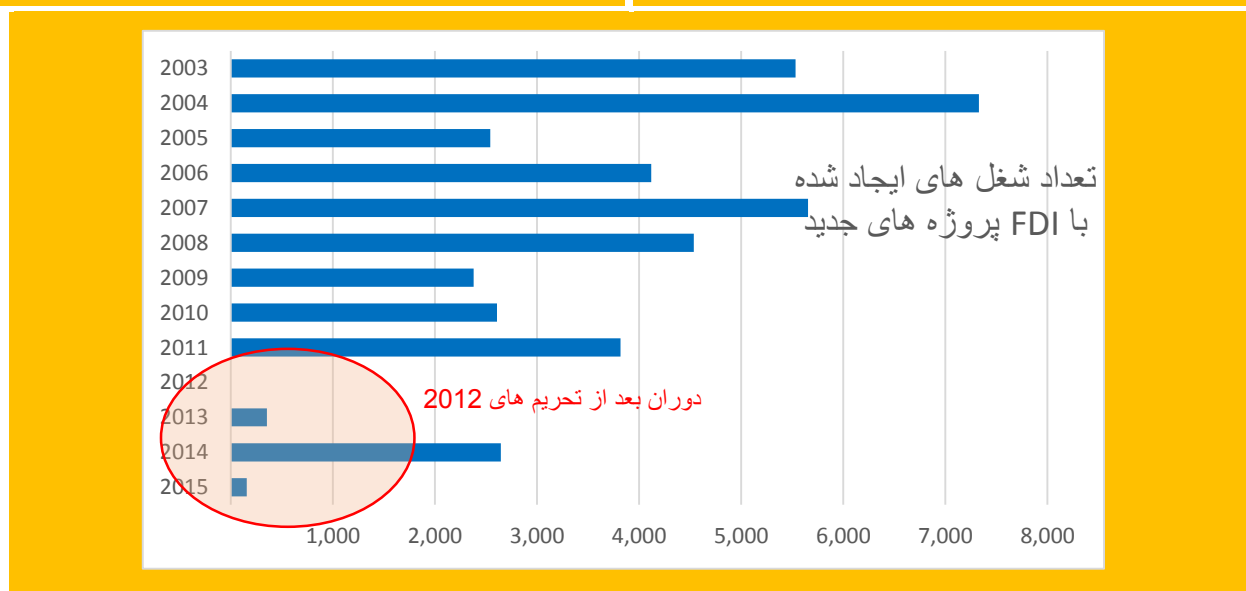
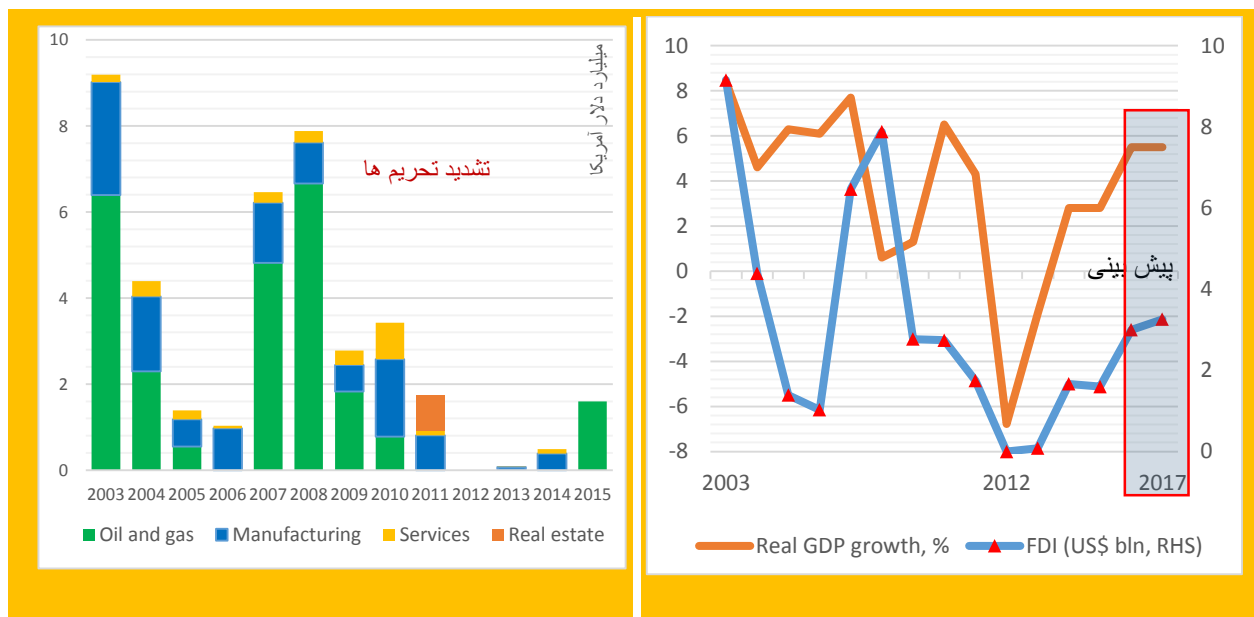
تا پیش از 2011، بطور متوسط سالانه 4 میلیارد دلار FDI بصورت سرمایه گذاری در پروژه های جدید به اقتصاد ایران وارد می شد. بخش استخراج (نفت و گاز) و تولید دو بخش عمده ای بودند که ارقام بالای FDI را دریافت می کردند. از این میان، صنایع نفت و گاز بیش از نیمی از FDI وارد شده را به خود اختصاص می دادند و پس از آنها، بخش های فلزات و تولید در جایگاه بعدی قرار داشتند (شکل 3). در عین حال، اگر از منظر اشتغال زائی نگاه کنیم، از 42000 هزار شغل ایجاد شده در طول 2015 - 2003 تنها 6000 شغل از بخش نفت و گاز بوده است و مابقی مربوط به بخش های تولید، فلزات و خدمات می باشد. البته این امر باعث تعجب نیست چون که بخش نفت و گاز در مقایسه با بخش های دیگر نیاز به سرمایه گذاری بیشتری دارد. آمار مربوط به ورود FDI جهت پروژه های جدید به ایران نشان می دهد که در طول 2011، اشتغال زائی حاصل از سرمایه گذاری در املاک و مستعلات 10 برابر بیشتر از FDI وارد شده به بخش استخراج بوده است.

تشدید تحریم های بین المللی، بر FDI وارد شده به ایران و به ویژه در صنعت نفت تبعات منفی داشته است. با وجود افت شدید FDI وارد شده به ایران پس از بحران مالی 2008، ایران در سال 2010 هنوز حدود 4 میلیارد دلار عمدتاً برای بخش های تولید و نفت خود دریافت کرد. تخمین های *fDi market* حاکی از آن است که ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهت پروژه های جدید به ایران پس از تشدید تحریم ها در 2012 کلاً متوقف گردیدند و در 2015 کمی از سرگرفته شدند (شکل 3).

افت سرمایه گذاری خارجی بیشتر از همه چیز به صنعت نفت آسیب رساند چونکه تحریم ها مانع دسترسی ایران به فن آوری، دانش فنی و سرمایه گذاری شدند. ظرفیت تولید میدان های نفت و گاز محدود گردید. تخمین های کلی نشان می دهند که پس از تشدید تحریم ها در 2012 ایران میلیاردها دلار سرمایه گذاری در آن بخش را از دست داد چون شرکت های بین المللی از برخی پروژه های ایران خارج شدند و از سرمایه گذاری بیشتر خودداری ورزیده یا سرمایه گذاری های موجود خود را به شرکت های دیگر فروختند. ایران برای توسعه میادین نفتی خود به شرکت های داخلی و تعداد محدودی شرکت آسیائی متکی شد. شرکت های چینی و روسی تنها شرکت هایی بودند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در توسعه میادین نفتی شرکت کردند. اما این کشورها بخاطر محدودیت های موجود در تجارت با ایران سرمایه گذاری خود را کاهش دادند (شکل 3).

³ از اینرو که واردات از امارات متحده عربی و ترکیه کالاهای نهائی و برخی کالاهای واسطه ای بوده ولی واردات از آمریکا و اتحادیه اروپا به شکل ماشین آلات و تجهیزات مربوط به فن آوری ها هستند، و نیاز به ارتقای فن آوری قابل توجه است، لذا روند جابجائی مبادلات تجاری به سمت غرب می تواند سریعتر باشد.

شکل 3. ورود FDI به ایران و بر حسب بخش



منبع: fDi Market و بانک جهانی اطلاعات تنها مربوط به FDI پروژه های جدید است و M&A ها و سایر FDI ها را شامل نمی شود.

از زمان تصویب چارچوب توافق هسته ای در 2 آوریل 2015، شرکت های چندملیتی خارجی مجدداً به سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران تمایل نشان داده اند. مقامات ایران تخمین می زنند که بخش نفت و گاز تا 2020 به 130 الی 145 میلیارد دلار سرمایه گذاری جدید نیاز دارد تا بتواند از افت ظرفیت تولید نفت جلوگیری کند، و از این رقم میدان گازی پارس جنوبی به تنهایی به 100 میلیارد دلار نیاز دارد. بانک جهانی تخمین زده است که ورود FDI به کشور می تواند به حدود 3 الی 3.2 میلیارد دلار در 2016 و 2017 برسد، در صورتیکه تحریم های بین المللی برداشته شوند و رشد اقتصادی به 5.5 درصد در 2017 برسد (شکل 3) 4. این دو برابر حجم ورود FDI به کشور در 2015 اما یک سوم نقطه اوج آن در 2003 است. پیش بینی می شود که به گروه کشورهای هند، چین و روسیه که 3 سرمایه گذار برتر در سال های دهه 2000 بودند،

4 نسبت FDI به GDP در تمام دوره پیش بینی شده یکسان خواهد ماند.

کشورهای آمریکا و برخی اعضای اتحادیه اروپا، به ویژه ایتالیا و نیز امارات متحده عربی اضافه کردند. بخش عمده ورود FDI به کشور به سمت بخش نفت و انرژی هدایت خواهد شد که عمیقاً به آن نیاز دارد، و پس از آن صنایع خودروسازی و داروئی در بخش تولید قرار دارند.

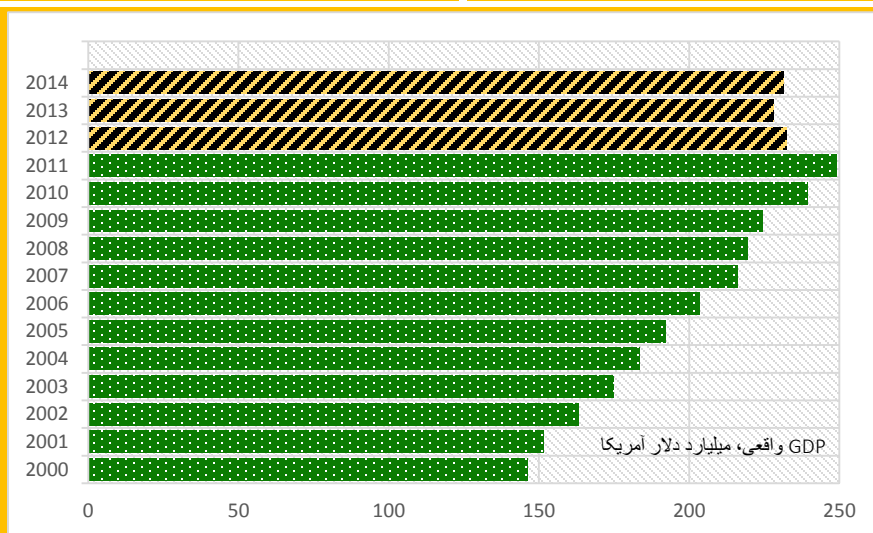
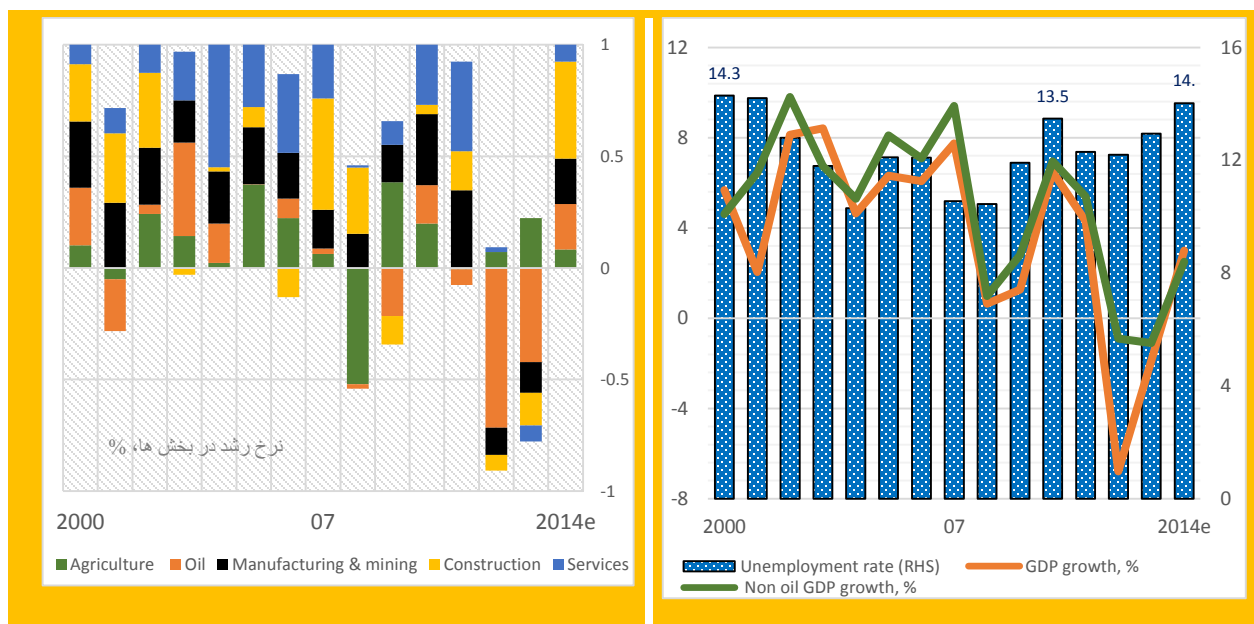
پیامدهای ملی

اقتصاد کلان

تا سال پیش، اقتصاد ایران بیش از دو سال در رکود قرار داشته است. میزان رشد در سال 2012 و 2013 به ترتیب منفی 6.8 و 1.9 بوده است. اگرچه اوضاع اقتصاد در سال 2014 بهبود یافت اما GDP مشابه سال 2009 باقی ماند (شکل 4). قابل توجه ترین کاهش مربوط به بخش نفت بوده است که از سال 2012 تحت تحریم های سخت گیرانه ای قرار داشته و آمار تولید و صادرات در این دو سال بشدت کاهش داشته است. در سال مالی 2010/2011، پیش از وضع تحریم ها، تولید نفت نزدیک به 3.7 میلیون بشکه در روز بوده است که از این رقم 2 میلیون بشکه در روز صادر می شد. در 2012/2013، کمی بعد از تشدید تحریم ها تولید و صادرات نفت خام به میزان 1 میلیون بشکه در روز کاهش یافت. بخش عمرانی و صنایع خودروسازی، یعنی بخش های اصلی اشتغال زا (به همراه بخش های خدماتی خود) نیز شدیداً تحت تأثیر قرار گرفتند. آمار تولید در بخش خودروسازی به نصف کاهش یافت و بخش عمرانی نیز در سالهای 2012 و 2013 به ترتیب 3.6 و 3.1 درصد کاهش نشان می دهد که عمدتاً به دلیل کاهش واردات مواد و تجهیزات و نیز کم شدن سرمایه گذاری بعد از توقف ورود FDI به کشور بوده است. میزان تقاضا برای مجوزهای ساخت و ساز به طور متوسط در این دوره 3 درصد کاهش یافت. در حالیکه آمار رسمی بیکاری، معضلات از دست دادن شغل را نشان نمی دهند، تخمین های غیررسمی بیانگر 2 درصد افزایش نرخ بیکاری و رقم 14 درصدی آن در سال 2014 هستند.

دولت جدید اخیراً اقداماتی برای اعمال دقیق تر سیاست های مالی و پولی و کاهش تورم بعمل آورده و در ضمن به تقویت رشد از طریق سرمایه گذاری پرداخته است. داده های بانک مرکزی نشان می دهد که آمار رشد در سه ماهه سوم 2014/2015 (21 سپتامبر تا 21 نوامبر، سال مالی منتهی به 21 مارس 2015) به 3 درصد رسیده است (در مقایسه با 1.8- درصد همان سه ماهه در سال قبل) که افزایش فعالیت در بخش تولید، معدن و خدمات محرک آن می باشند (شکل 4). علیرغم پایین بودن قیمت نفت و میزان تولید آن، انتظار می رود نرخ رشد واقعی GDP برای امسال به 3.5 درصد برسد. به لطف اعمال دقیق تر سیاست های پولی و پایدارسازی ارزش واحد پول ملی در بازار سیاه، تورم در سه ماهه نخست 2015 به 14.3 درصد رسیده است، یعنی نصف رقم 42 درصد دوره مشابه در سال 2013. بدون اینکه اثربخش بودن این تلاش ها زیر سؤال برده شود باید اذعان کرد که سیاست های کلان اقتصادی دولتی مرتباً تغییر می کنند و اغلب غیرقابل پیش بینی هستند، و در نتیجه بخش خصوصی در موضع ضعف قرار داده می شود. در نتیجه، آمار رشد هنوز پایین تر از حد توان بالقوه اقتصاد است. این امر موجب تشدید آمار و ارقام بیکاری که قبلاً نیز بالا بودند شده است (شکل 4).

شکل 4. وضعیت اقتصاد کلان ایران



منبع: بانک جهانی، Statista و بانک مرکزی ایران. سال مالی منتهی به 21 مارس.

با لغو تحریم ها پس از دستیابی به توافق هسته ای، انتظار می رود اقتصاد ایران در سال 2016 و سال پس از آن بخاطر افزایش تولید و صادرات نفت، تولید خودرو، و توسعه مبادلات تجاری رشد قابل توجهی را شاهد باشد (برای آگاهی از جزئیات سیاست های دوره پس از تحریم به ضمیمه 3 رجوع کنید). با فرض اینکه سیاست های صحیح اقتصاد کلان به مورد اجراء در آیند، این امر می تواند رشد اقتصادی را تقویت کند. همچنین آزادی عمل و فضای مالی کافی (تا سالیانه 15 میلیارد دلار از محل درآمد صادرات نفت، معادل 3.5 درصد GDP - به صفحه 4 رجوع کنید) در اختیار دولت قرار می دهد تا بتواند پروژه های سرمایه گذاری را اجراء نماید. برآوردهای بانک جهانی نشان می دهد که در یک سناریوی خوش بینانه و با حذف کامل تحریم ها، رشد واقعی GDP می تواند در سال های 2016/2017 و 2017/2018 به ترتیب به 5.1 و 5.5 درصد برسد که به آمار مربوط به دوره پیش از تحریم ها نزدیک خواهد بود (جدول 2).

جدول 2. رشد واقعی GDP، درصد

پیش بینی ها		برآوردها						سال مالی
2017/18	2016/17	2015/16	2014/15	2013/14	2012/13	2011/12	2010/11	
5.5	5.1	3.3	3.0	-1.9	-6.8	3.0	5.9	رشد GDP

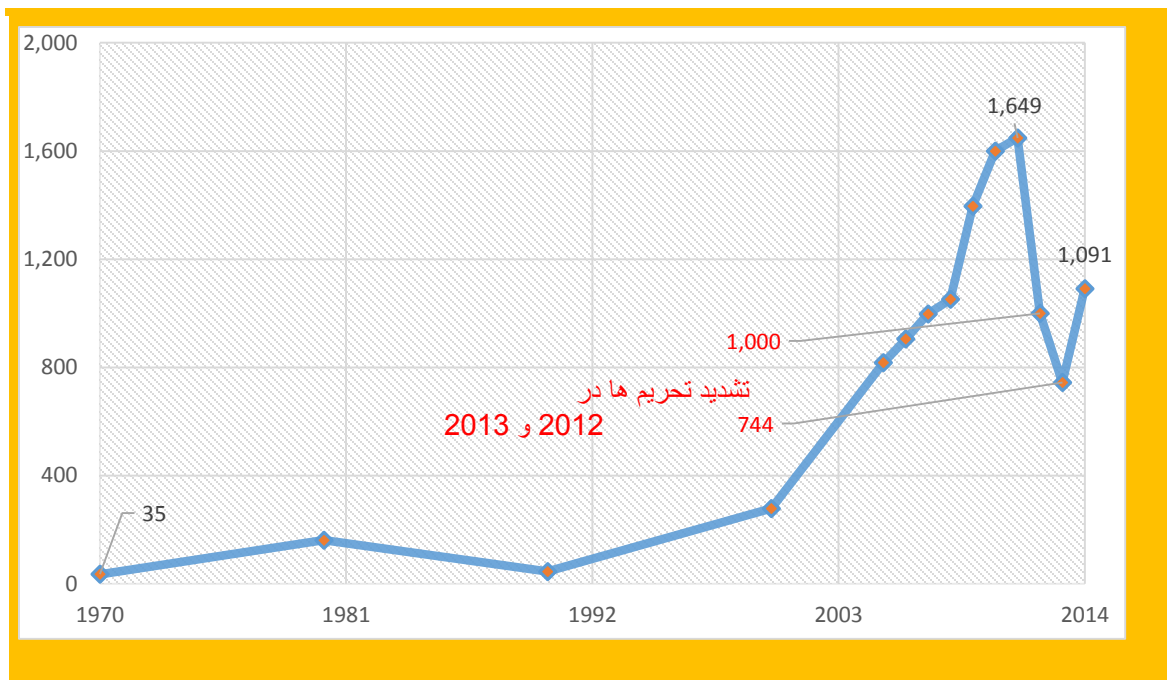
منبع: Mottaghi (2015a). سال مالی منتهی به 21 مارس.

بخش های اقتصادی

اگرچه ممکن است تمام بخش ها از گشایش اقتصاد منتفع بشوند، احتمالاً صنایع خودروسازی و دارویی به ویژه از رشد قابل توجهی برخوردار خواهند شد. صنایع خودروسازی ایران که از شرکت های عمده گروه بهمن، ایران خودرو و سایپا تشکیل شده است یکی از بزرگترین بخش های صنعتی کشور را تشکیل می دهد و بیش از 10 درصد GDP مربوط به آنهاست. بعد از تشدید تحریم ها در 2012، آمار تولید خودرو شدیداً افت کرد و به 700000 خودرو در سال رسید در حالیکه پیش از تحریم ها این رقم 1.6 میلیون بود (شکل 5). دلایل اصلی کاهش رشد صنایع خودروسازی عبارتند از کاهش ارزش واحد پول ملی، که هزینه قطعات و اجزاء وارداتی را افزایش می دهد، و ممنوعیت واردات مواد و تجهیزات. درآمدهای حاصل از فروش خودرو به نصف کاهش یافتند و برای صنایع خودروسازی سالیانه میلیاردها دلار هزینه ساز شدند. اطلاعات و داده های دقیق در دست نیست ولیکن تخمین ها حاکی از آنند که کاهش میزان تولید خودرو منجر به تعلیق نیروهای کار در این بخش شد که 4 درصد از نیروی کار کشور را تشکیل می دهد و یکی از اصلی ترین بخش های اشتغال زای کشور به حساب می آید.

در صورت لغو تحریم ها و ازسرگیری همکاری شرکت های بین المللی با ایران، انتظار می رود که تولید خودرو جهش داشته و ظرف مدت دو سال به مقادیر نزدیک به آمار پیش از تحریم برسد. میزان تولید صنایع داروسازی نیز افزایش خواهد یافت چون شرکت های این بخش قادر خواهند شد قطعات و ماشین آلاتی را وارد کنند که در دو سال گذشته واردات آنها مشمول تحریم شده بود. انتظار می رود صادرات دارو به اروپا که پیش از 2012 در حد 2.5 میلیارد دلار بود پس از لغو تحریم ها ازسرگرفته شود. صادرات به آسیا و آفریقا بخاطر تحریم ها شاهد افت قابل توجهی نبوده است اما انتظار بر این است که حتی صادرات به این کشورها نیز همزمان با کاهش محدودیت حمل و نقل دریائی و بیمه محموله ها افزایش یابد.

شکل 5. تولید خودرو، هزار دستگاه



منبع: سازمان بین المللی سازندگان خودروهای موتوری.

بازار کار

بازار کار و اشتغال در دوران تحریم اوضاع نابسامانی را تجربه کرده است. تخمین ها نشان می دهند که سالانه 800000 الی 900000 ایرانی وارد بازار کار می شوند.⁵ حتی تا پیش از تشدید تحریم ها، اقتصاد کشور تنها قادر به ایجاد 200000 شغل در سال بود. رقم مذکور از آن زمان به این سو کاهش قابل ملاحظه ای داشته است. از آنجائیکه اثر فوری لغو تحریم ها بالا رفتن تولید در صنعت نفت خواهد بود و این صنعت سهم ناچیزی از بازار کار ایران را به خود اختصاص می دهد، احتمالاً بطور مستقیم تأثیری بر تقاضا برای نیروی کار گذاشته نخواهد شد. اما تقاضا برای سرمایه افزایش خواهد یافت؛ تخمین های مدل CGE نشان می دهد که قیمت واقعی سرمایه حدود 8 درصد در میان- مدت افزایش خواهد یافت. البته با هزینه شدن درآمدهای نفتی و رشد و توسعه بخش هائی مانند خودروسازی، دارویی، عمرانی، گردشگری، بانکداری و مخابرات که نیاز بیشتری به نیروی کار دارند، تقاضا برای نیروی کار زیاد خواهد شد. بانک جهانی تخمین زده است که با فرض رشد 5.5 درصدی GDP اقتصاد ایران باید در 5 سال آینده پنج میلیون شغل ایجاد کند تا بتواند نرخ بیکاری کشور را زیر 10 درصد نگاه دارد. این به معنی اضافه شدن یک میلیون شغل در سال به اقتصادی است که کمتر از یک پنجم این مقدار اشتغال زائی داشته است. با رشد و توسعه بخش هائی که نیاز بیشتری به نیروی کار دارند، نرخ بیکاری می بایست نزولی شده و دستمزدها افزایش یابند. شبیه سازی های انجام شده با مدل CGE نشان می دهند که در میان- مدت، دستمزد واقعی نیروی کار ماهر 2 درصد و دستمزد نیروی کار غیرماهر 0.5 درصد افزایش خواهد داشت.

لغو تحریم ها می تواند به شیوه های مختلفی بر توزیع درآمد در بازار کار اثر بگذارد. پیوستن مجدد اقتصاد ایران به بازارهای جهانی می تواند درآمد نیروی کار ماهر و متخصصان را افزایش دهد و در نتیجه آن شکاف درآمدی گسترده تر شود. همین پدیده در برخی کشورها که روند جهانی سازی را طی می کردند مشاهده شده است. این احتمال وجود دارد که ازسرگیری سرمایه گذاری در بخش های غیرنفتی بتواند تقاضا برای نیروی کار را بطور کلی افزایش داده و به بالا رفتن

⁵ مرکز آمار ایران و منابع بین المللی.

دستمزدها متناسب با بازده سرمایه کمک کند. برخی از گروه های نیروی کار می توانند بطور نسبی منتفع شده و برخی گروه ها نیز ممکن است متضرر شوند. یک نکته بسیار مهم موقعیت و جایگاه نسبی خانم ها در برابر آقایان در بازار کار است. سهم خانم ها در نیروی کار (LFP) در ایران رویکرد نزولی داشته و نرخ بیکاری آنها در چند سال اخیر شدیداً افزایش یافته است (جدول 3).

به نظر می رسد که تشدید تحریم ها در اوایل 2012 باعث بدتر شدن اوضاع بازار کار برای خانم ها شده است در حالیکه نرخ بیکاری برای آقایان عملاً کاهش یافته است. این انحراف می تواند به دلایل مختلفی شامل پیامدهای گروهی جمعیت شناسی روی داده باشد که در میان خانم ها و آقایان متفاوت است. بیشتر بودن توانائی جابجائی آقایان در مقایسه با خانم ها احتمالاً در این خصوص نقش داشته است. تحریم ها باعث خاتمه یافتن بسیاری از مشاغل شدند اما فرصت هائی را در بخشهای کالاهای مبادله ای ایجاد کردند که آقایان بیشتر جذب آنها شدند. در مقابل، خانم ها جذب فرصت هائی در بخش خدماتی شدند. دلیل شاید بخشی بخاطر ورود فن آوری های جدید به بازار بوده باشد که مهارت های لازم برای مشاغل آنها با مهارت های خانم های تحصیل کرده بیشتر مطابقت دارد.

درآمدهای غیرمترقبه بعد از لغو تحریم ها احتمالاً می تواند به بالا رفتن ملموس نرخ تبدیل بیانجامد (کادر 2 را ملاحظه کنید) و این امر بر صنایع و بخش کشاورزی فشار وارد کرده و بخش خدمات را شکوفاتر خواهد ساخت. این می تواند برای آقایان که وابستگی بیشتری به بخش های کالاهای مبادله ای دارند مطلوب نباشد در حالیکه خانم ها در بخش خدمات مشاغل بهتری خواهند یافت. در نتیجه ممکن است سهم خانم ها در نیروی کار (LFP) به دلیل بیشتر شدن فرصت های شغلی برای آنها افزایش یابد. بنابراین امکان دارد درآمد بسیاری از خانم ها افزایش یابد و این امر پیامدهای مثبتی در درآمد کلیه خانوارها بر جا خواهد گذاشت. همچنین امکان دارد مشاغل پردرآمدی که بعد از برقراری دوباره ارتباط اقتصاد ایران با بازارهای جهانی ایجاد می شوند نیاز به مهارت های بیشتری داشته باشند (مانند تسلط به زبان خارجی و آشنائی با فن آوری های جدید و شیوه های حرفه ای و کاری مدرن). در این حالت، درآمد دهک های بالای توزیع مخارج بسرعت افزایش خواهد یافت. بی شک این امر غیرقابل اجتناب است چون تنها راهی که نیروهای کار ایرانی می توانند با رقبای خارجی خود که فاقد امتیاز منابع طبیعی هستند رقابت کنند این است که درآمدهای خارجی را به سرمایه انسانی تبدیل کرده و از مزیت بهره وری مناسب استفاده کنند.

تأثیر کلی لغو تحریم ها و ورود درآمدهای غیرمترقبه بر روند فقر در ایران ناچیز و حتی مثبت تلقی می شود. با فرض اینکه سطح درآمدها در صورت بهبود وضعیت اقتصادی بالا خواهند رفت و ایران معیارهای امنیت اجتماعی مؤثر و نهادهای کاهش فقر برقرار نماید، این افزایش بازده به نیروهای ماهر موجب از دیداد فقر نخواهد شد. علاوه بر این، اگر سیاست های مناسبی برای بهبود کیفیت تحصیلات و آموزش و تسهیل دسترسی به مهارت ها و اطلاعات جدید برای مردم به مورد اجراء گذاشته شود، بطور مثبتی بر توزیع درآمد و کاهش فقر اثر خواهد گذاشت.

جدول 3. رویه های بازار کار در ایران بر حسب جنسیت

آقایان					خاتم ها					
2014	2012	2010	2009	2005	2014	2012	2010	2009	2005	
20.0	19.7	19.5	19.4	18.5	3.9	4.0	4.3	4.4	4.8	نیروی کار (میلیون)
62.5	61.6	62.1	62.8	64.7	12.0	12.6	14.1	14.5	17.0	نرخ LFP (%)
18.2	17.6	17.2	17.3	16.7	3.1	3.1	3.5	3.7	4.0	شاغل (میلیون)
1.8	2.1	2.3	2.1	1.9	0.8	0.8	0.9	0.7	0.8	بیکار (میلیون)
0.5	0.8	0.9	0.9	0.9	0.2	0.3	0.4	0.3	0.5	بیکار، 15-24 (میلیون)
21.3	23.4	25.5	22.7	20.4	43.8	42.7	41.3	32.4	32.6	نرخ بیکاری، 15-24 (%)
1.0	1.3	1.5	1.4	1.3	0.5	0.6	0.7	0.6	0.7	بیکار، 15-29 (میلیون)
17.8	20.9	21.8	19.7	17.8	40.1	40.3	39.7	31.0	29.9	نرخ بیکاری، 15-29 (%)
3.1	3.1	3.0	3.3	3.8	0.7	0.8	1.0	1.1	1.3	شاغل در بخش کشاورزی (میلیون)
17.2	17.6	17.5	18.8	22.6	21.8	26.3	28.0	30.5	33.6	سهم در اشتغال (%)
6.4	6.2	5.8	5.7	5.1	0.8	0.7	0.8	0.9	1.1	شاغل در بخش صنعت (میلیون)
35.4	35.2	33.8	33.1	30.8	24.3	23.3	24.4	44.0	38.0	سهم در اشتغال (%)
8.6	8.3	8.4	8.3	7.8	1.7	1.6	1.6	1.6	1.5	شاغل در بخش خدمات (میلیون)
47.4	47.1	48.8	48.1	46.5	53.8	50.4	47.6	44.0	38.0	سهم در اشتغال (%)

منبع: محاسبات بر اساس اطلاعات و داده های منتشر شده توسط مرکز آمار ایران می باشد.

مدیریت درآمدهای غیرمترقبه اقتصادی

ایران با پایان یافتن تحریم های بین المللی قادر خواهد بود به میلیاردها دلار دارائی مسدود شده خود دسترسی یابد که با توجه به ناچیز بودن بدهی خارجی ایران، رقم قابل توجهی خواهد بود. لغو تحریم ها همچنین از مخارج و هزینه های تجارت خارجی ایران خواهد کاست و این کشور می تواند بیش از سطح فعلی 130 میلیارد دلار خود صادرات داشته باشد. هزینه های تجارت در بعضی موارد تا یک سوم ارزش کالاهای مبادله شده بالا می روند و نیمی از آن بطور کامل توسط طرف ایرانی پرداخت می گردد. حذف این مانع اضافی شاید در کوتاه مدت تأثیر چندانی بر صادرات غیرنفتی نداشته باشد. اما می تواند هزینه های واردات، سرمایه گذاری و تولید را کاهش داده و صادرکنندگان و خدمات رسانی ایرانی را قادر سازد که در میان-مدت رقابتی تر باشند. به احتمال زیاد ایران سرمایه گذاری های قابل توجهی را در میدانی نفت و گاز خود شاهد خواهد بود و می تواند در نهایت صادرات کشور را به مرز 3 میلیون بشکه در روز برساند. قیمت های نفت حتی اگر ثابت

بمانند و یا کمی افت کنند، درآمدهای ایران افزایش خواهد یافت (صفحه 4 را ملاحظه کنید). علاوه بر این با از بین رفتن محدودیت های موجود در اقتصاد ایران بخاطر تحریم های بین المللی، ورود سرمایه گذاری های خارجی در پاسخ به فرصت های قابل توجه این بازار افزایش قابل ملاحظه ای را تجربه خواهند کرد، و این امر به ویژه با روند نزولی رشد اقتصاد سایر بازارهای در حال توسعه و بازده های اندک کشورهای پیشرفته اهمیت بیشتری پیدا می کند (بخش سرمایه گذاری مستقیم خارجی را ملاحظه کنید). بطور خلاصه می توان گفت که اقتصاد ایران احتمالاً درآمدهای غیرمترقبه فراوانی دریافت خواهد کرد. شبیه سازی با مدل CGE نشان داد که بهره خالص راندمان از لغو تحریم ها حدود 2.8 درصد بودجه رفاهی است.

حال این که درآمدهای غیرمترقبه به رشد ماندگار اقتصادی و اشتغال بدل خواهند شد یا خیر بطور ریشه ای و بنیادی به سیاست ها و نهادهای دولت، به ویژه آنهایی که حامی صادرات و متنوع سازی هستند بستگی پیدا می کند. سابقه ایران در درآمدهای غیرمترقبه پیشین به یک گونه نبوده است (کادر 2). حداقل سه اشتباه محتمل در اینجا وجود دارد که باید از آنها احتراز کرد.

نخست، با ورود پول به بازار ارز ایران، ارزش واقعی ریال به میزان قابل ملاحظه ای بالا خواهد رفت. این می تواند در بخش کالاهای مبادله ای، به ویژه صادرات غیرسننتی ایجاد اخلاص نماید. بین سال های 2002 و 2012 که نرخ واقعی تبدیل افزایش یافت (بخاطر قیمت بالای کالاها) صادرات غیرنفتی نیز افزایش یافتند. اما دلیل آن بود که دولت از رانت های نفتی برای توسعه پتروشیمی، صنایع پلاستیک و برخی صنایع غذایی استفاده می کرد که از سوخت یارانه ای نیز بهره مند بودند. اما وقتی بودجه های دولتی مصارف دیگری پیدا کردند، این صادرات بسرعت کاهش یافتند. دولت برای مقابله با افزایش غیرقابل اجتناب نرخ تبدیل، نیاز به بهبود عرضه کالاهای غیرمبادله ای در اقتصاد دارد.

دوم، نیازهای سرمایه گذاری ایران قابل توجه هستند. سرمایه گذاری فعلی در حد 5 درصد GDP یا 20 میلیارد دلار است، یعنی پایین تر از حدی که اقتصاد کشور در اواخر سال های 1990 تا اواخر 2000 با آن بطور متوسط سالیانه 5 الی 6 درصد رشد داشت. برای رشد و توسعه سریعتر و جبران افت رشد چند سال اخیر، سرمایه گذاری ها باید به مقدار قابل توجهی افزایش یابند. اما برای عملی ساختن این مهم، دولت باید بر وسوسه هزینه کردن بخش عمده درآمدهای غیرمترقبه در مصرف غلبه کند. علاوه بر این، پروژه های سرمایه گذاری باید با دقت تمام تحت نظر و بررسی باشند تا از اتلافی که معمولاً همراه با افزایش قابل توجه سرمایه گذاری رخ می دهد جلوگیری شود.

ایران چگونه می تواند عرضه کالاهای غیرمبادله ای خود را بهبود بخشد، از منابع سرمایه گذاری محافظت کرده و از اتلاف بکاهد؟ هیچ راهکار آسانی وجود ندارد، اما چند اصل مهم و در خور اعتنا وجود دارند.

نخست اینکه باید اولویت به حاکمیت، به ویژه شفافیت، راندمان اداری و کنترل فساد داده شود. این می تواند باعث جلب اطمینان به دولت شده و آنرا قادر می سازد تا سیاست های خود، شامل تصمیمات سرمایه گذاری عمومی را به نفع عموم مردم اجراء کند. سیاست هایی که رانت جویان میانه خوشی با آنها ندارند و می خواهند که دولت سیاست ها را به نفع آنها تدوین نماید. یک مزیت مهم دیگر این است که خدمات عمومی دقیق و مؤثر، هزینه تولید کالاهای غیرمبادله ای را کاهش می دهند لذا علیرغم ورود قابل توجه پول خارجی کیفیت رقابتی حفظ می گردد.

دوم، استفاده معقول از صندوق ذخیره ارزی (SWF - Stabilization Wealth Fund) است. توافق هسته ای فعلی از قرار اطمینان بیشتری بوجود آورده است که ایران می تواند بمانند هر کشور دیگری از دارائی های خود استفاده کند. SWF با پیش بینی مدیریت صحیح می تواند به اعمال شفافیت کمک کرده و همزمان درآمدها را متعادل ساخته و از سرمایه گذاری ها محافظت نماید.

سومین نکته، پرداختن به تنگنای احتمالی در زیرساخت هاست. زیرساخت های ایران از بسیاری جهات وسیع و گسترده هستند اما در بخشی از زمینه فاقد کیفیت می باشند و در صورت تسریع آهنگ رشد اقتصاد ممکن است تنگنایی را بوجود

آورند. سیستم راه ها در دو و نیم دهه گذشته توسعه یافته است ولی کیفیت جاده ها نازل است بطوریکه ایران بالاترین آمار تصادفات خیابانی و جاده ای دنیا را دارد (سازمان جهانی بهداشت، 2012). خدمات اینترنت و مخابرات در سال های اخیر با سرعت توسعه یافته اند اما سرعت های آنها بسیار کند است و شرکت های ایرانی را در مقایسه با سایر بازارهای در حال توسعه در جایگاه پایین تری قرار می دهد. با در نظر گرفتن نیروهای کار تحصیل کرده و دسترسی به منابع در ایران، فرصت این کشور برای کسب مزیت نسبی در صنایع فن آوری پایین چندان زیاد نیست چون نیروی کار در ایران برای چنین صنایعی بسیار گران و پرهزینه خواهند بود. در نتیجه باید حتماً صنایع فن آوری بالا توسعه داده شده و از تحقیقات و پژوهش و توسعه در این صنایع حمایت گردد. در هر برنامه ای که برای تبدیل دارائی های منابع طبیعی کشور به سرمایه انسانی با نتایج بهره وری ماندگار تدوین می شود باید این امر محوریت اصلی را دارا باشد.

کادر 2: تجربه ایران با درآمدهای غیرمترقیه نفتی

تجربه ایران با درآمدهای غیرمترقیه نفتی بسیار آموزنده است. زمانی که تولید و صادرات نفت نخست رو به افزایش نهادند، دولت سازمان برنامه را در سال 1948 تأسیس کرد و سهمی از درآمد نفت را به آن اختصاص داد تا برای تقویت سرمایه گذاری به ویژه در توسعه زیرساخت ها هزینه گردد. نتیجه این تدبیر چند دهه رشد چشمگیر اقتصادی بود. اما با چهار برابر شدن قیمت های نفت در 1973 و افزایش خروجی، شاه ایران سازمان برنامه را به حاشیه برد و شخصاً تصمیمات سرمایه گذاری و هزینه کردها را هدایت می نمود. در نبود برنامه ریزی و مشاوره اصولی، اقتصاد با تنگناهای جدی روبرو شد. روند تورم شتاب یافت و نرخ تبدیل بالا رفت. این روال ماندگار نبود و شوک ناشی از هزینه کردها چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی مخرب بودند. چند مورد درآمد غیرمترقیه در 1980 و 1982 نیز وجود داشته ولیکن کوتاه بودند. با ورود کشور به دوران پر تلاطم پس از انقلاب و جنگ با عراق، برنامه ریزی و سرمایه چندان وجود نداشت.

با پایان جنگ ایران و عراق در اواخر سال های 1980 یک دوره درآمد غیرمترقیه دیگر برای ایران به همراه داشت که با وضعیت حال حاضر مشابهت هائی دارد. جنگ تولید و نفت و بازرگانی و تجارت ایران را مختل کرده بود. اقتصاد داخلی افت، انزوا و دشواری های زیادی را پشت سر گذاشته بود. کمی پس از پایان جنگ، دولت تولید نفت را افزایش داد که به بالا رفتن درآمدهای خارجی منجر شد. دولت همچنین برنامه های سرمایه گذاری جهت توسعه زیرساخت ها، باز کردن بازارها و بازسازی کشور تدوین کرد. اقتصاد سریعاً شروع به بازیابی کرد و حس قوی خوشبینی در فضا موج می زد. شرکت ها، و غالباً شرکت های عمومی برای تقویت سرمایه گذاری و موجودی های خود از بازارهای بین المللی وام های کوتاه مدت می گرفتند. دولت نیز نرخ تبدیل ارز بسیار بالای خود را پایین آورد، برای مدت کوتاهی نرخ های تبدیل را یکسان کرده و حساب سرمایه گذاری خارجی را باز نمود. کاهش ارزش باعث بالا رفتن درآمدهای ریالی دولت شد و به آن اجازه داد تا هزینه کردهای خود، منجمله در خصوص توسعه را به میزان قابل توجهی افزایش بدهد. اما ذخیره برای پیش بینی شرایط اضطراری بسیار ناچیز بود. در نتیجه وقتی سررسید بدهی های کوتاه مدت در 1993-1994 فرا رسید، اقتصاد وارد یک مرحله بحران بازپرداخت شد و ناگزیر به نظام چندنرخ و کنترل های سختگیرانه بازار بازگشت. سرمایه گذاری به ویژه در بخش خصوصی شدیداً افت کرد.

آخرین مرتبه سرازیر شدن درآمدهای غیرمترقیه نفتی در اوایل سال های 2000 و زمانی بود که قیمت های نفت شروع به بالا رفتن کرده بودند. دولت در سال های اوایل 1990 نرخ تبدیل رسمی را پایین آورد و واحد پول را یکسان نمود، البته بانک مرکزی در آن زمانی اندوخته بیشتری جمع کرده، حساب سرمایه گذاری باز نشده بود، و یک حساب ذخیره ارزی (CSA) برای کاهش پیامدهای منفی دوره های بحران ایجاد شده بود. CSA برخلاف صندوق های رفاهی مستقل توسط دولت مدیریت می شد و وجوه آن عمدتاً برای اعطای وام های ارزی به شرکت های داخلی استفاده می شد. با ادامه روند صعودی قیمت نفت برای چند سال، دولت به خرج کردن و بیشتر خرج کردن ادامه داد. یک کسری فزاینده پدید آمد. در سال 2005 یک رئیس جمهور مردمی که به پروژه های توزیع مجدد با بازگشت سریع علاقه مند بود انتخاب شد. بالا رفتن درآمدهای نفتی به دولت اجازه خرج کردن زیاد، اعطای یارانه به مصرف کنندگان، به ویژه برای انرژی، دادن مجوز توسعه اعتبار به سیستم بانکی و نسبتاً ثابت حفظ کردن نرخ تبدیل اسمی برای کنترل تورم را داد. در پایان 2010، دولت سعی کرد یارانه های انرژی را کمی بکاهد. اما سیاستی را به مورد اجراء گذاشت که یارانه های نقدی با ارزش دو برابر کاهش یارانه ارائه می داد. اقتصاد جایگزین هائی برای صادرات نفت نداشت و در نتیجه سیستم شدیداً در برابر شوک های بیرونی آسیب پذیر بود. بخش خصوصی با شدت و حدت به بنا کردن ساختمان های مسکونی و تجاری مشغول بود. دولت یک پروژه مسکن عظیم را آغاز کرد که مشخص شد بسیار هزینه بر و تورم زاست. برای جبران تعهدات و قول های فراوان، دولت بعد از 2008 از بودجه توسعه کاست. تا اواخر 2000، سرمایه گذاری داخلی بطور قابل توجهی به سمت ساخت مسکن سوق یافته بود که قابلیت صادرات نداشت. منابع CSA تماماً وام داده شده بودند و مشخص نبود که آیا می توان در زمان نیاز آنها را پس گرفت یا خیر. بالاخره در اوایل 2012 زمانی که تحریم های بین المللی بر علیه ایران شدت یافتند و خامت اوضاع به اوج خود رسید. با افت درآمدهای نفتی، ریال سقوط کرد و تورم به بالای 40 درصد رسید. پس از آن شاهد افت شدید بودجه توسعه، سرمایه گذاری و GDP بودیم.

منبع: Esfahani, H. "تجربه ایران با درآمدهای غیرمترقیه نفتی"، 2015.

Esfahani, S. Hadi. 2015. Iran's Potential for Exports Growth Post Sanctions. Mimeo, University of Illinois at Urbana-Champaign

Esfahani, S. Hadi. 2015. Iran's Experience with Oil Windfalls. Mimeo, University of Illinois at Urbana-Champaign

Esfahani, S. Hadi. 2015. Labor Market and Poverty Trends in Iran. Mimeo, University of Illinois at Urbana-Champaign

Hufbauer, Gary Clyde, Kimberly Ann Elliott, Tess Cyrus, and Elizabeth Winston. April 1997. US Economic Sanctions: Their Impact on Trade, Jobs and Wages, Peterson Institute for International Economics. Washington, DC

Ianchovichina, Elena; Shanta Devarajan, Csilla Lakatos. 2015. A Global Modeling Exercise of Removing Iran's Sanctions. Mimeo, Washington, DC: World Bank

Mottaghi, Lili. 2015a. MENA Quarterly Economic Brief, January 2015: Plunging Oil Prices. Washington, DC: World Bank

Mottaghi, Lili. 2015. Estimating the Impacts of Lifting Sanctions on Trade in Iran. Mimeo. Washington, DC: World Bank

ضمیمه 1: اجرای تمرینی یک مدل جهانی حذف تحریم های ایران

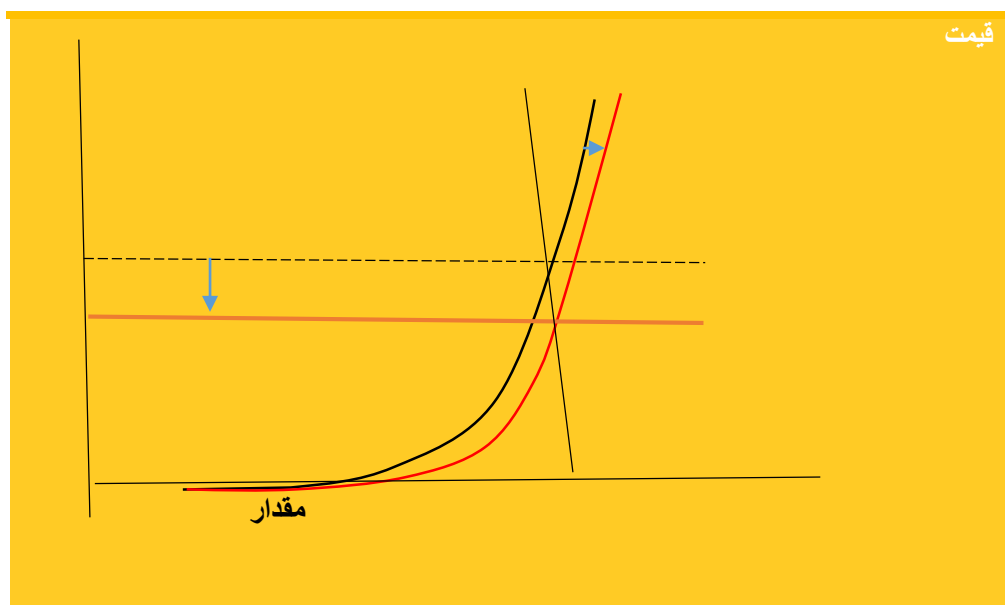
پیشنهاد لغو تحریم های ایران پس از توافق هسته ای 14 جولای 2015 با اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان ("P5+1") پیامدهایی بر اقتصاد جهانی، منطقه ای و ایران برجا خواهد گذاشت. از سرگیری صادرات نفت ایران و بازگشت آن به مقادیر پیش از 2012 می تواند در نهایت به افزوده شدن یک میلیون بشکه در روز به بازار جهانی منجر شده و قیمت های جهانی را کاهش دهد. شرکای تجاری اصلی ایران، شامل امارات متحده عربی و سایر کشورهای خاورمیانه و آسیای میانه شاهد توسعه تجارت نفتی و غیرنفتی خواهد بود چون هزینه های تجارت که بخاطر تحریم ها بالا رفته بودند کاهش خواهند یافت. مهم تر از همه با برداشته شدن موانع موجود بر سر راه تجارت ایران، اقتصاد این کشور می تواند تولیدات خود را به سمت مجموعه ای از کالاها هدایت کند که در خارج قیمت بالاتری دارند و مصرف خود را به سمت واردات ارزان تر سوق خواهد داد و بدین ترتیب بر رشد، توزیع و رفاه خانوارها پیامدهای مثبتی خواهد داشت.

lanchovichina و همکاران (2015) پیامدهای اقتصادی لغو تحریم ها با یک نسخه اصلاح شده پایگاه داده GTAP 9 و مدل جهانی، قابل محاسبه تعادل عمومی (CGE) برابری مستندات ثبت شده توسط Hertel (1997) مورد تحلیل قرار گرفت. مدل های CGE تعامل میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان را با سازوکار قیمت در اقتصاد به تصویر می کشند. مدل CGE جهانی که در اینجا بکار برده شده است نیز جریان های تجارت میان کشورها را نشان داده و به یک سری قیمت جهانی می رسد که در آنها عرضه و تقاضا در سطح جهانی به تعادل می رسند. مدل پیامدهای یک "شوک" مانند لغو تحریم های تجاری را بر قیمت های بازار در سطوح جهانی و کشوری شبیه سازی می کند. لذا می توانیم نتایج و پیامدهای لغو تحریم ها را از سایر توسعه های جاری اقتصاد مجزا سازیم. از آنجائیکه مدل تعادل جدید اقتصادی که آشفته بوده است را نشان می دهد، بهتر دیده شد که افق زمانی شبیه سازی یک تا دو سال در نظر گرفته شود.

در شبیه سازی، لغو تحریم های ایرانی دارای سه مؤلفه است: (i) لغو تحریم های نفتی از سوی اتحادیه اروپا؛ (ii) کاهش هزینه های حمل و نقل بر تجارت با ایران؛ و (iii) افزایش بهره وری تجارت مرزی در خدمات. محدودیت هائی که اتحادیه اروپا در 2012 بر واردات ایران وضع نمود گسترده ترین تحریم ها بودند (بخش زیر را ملاحظه کنید). پیش بینی می شود لغو آنها بزرگترین پیامدهای اقتصاد کلان را برای ایران و باقی جهان به دنبال داشته باشد: نفت 65 درصد درآمد صادراتی ایران را تشکیل می دهد و ایران سهم نسبتاً بزرگی (8 درصد) از کل صادرات جهان را به خود اختصاص داده است. با لغو یا کاهش قابل ملاحظه بازرسی محموله های صادراتی و وارداتی ایران که بعنوان بخشی از نظام تحریم ها اجراء می شد، هزینه های حمل و نقل بر تجارت ایران کاهش خواهند یافت. این امر بر تجارت کالا اثر گذاشته و به ویژه صادرات محصولات کشاورزی، ماشین آلات و سایر کالاها را با حاشیه سودهای قابل توجه حمل و نقل توسعه خواهد داد. و با لغو تحریم های مالی، گردشگری و حمل و نقل تجاری ایالات متحده آمریکا و سایر شرکاء با ایران، بهره وری تجارت مرزی در این خدمات افزایش خواهد یافت. لغو این تحریم ها باعث رشد صادرات تأمین مالی، بیمه و گردشگری از ایران خواهد شد.

این مقاله معتقد است که بهره ایران از لغو تحریم ها قابل توجه خواهد بود و یک بهره رفاهی 13 میلیارد دلاری نصیب اقتصاد خواهد کرد که معادل 2.8 درصد افزایش بودجه سرانه رفاهی است. منشاء بیشتر این بهره ها (2 درصد یا تقریباً 10 میلیارد دلار) لغو تحریم های اتحادیه اروپا است و کاهش هزینه های تجاری و بهبود شرایط تجارت مرزی موجب نزدیک به یک درصد بهره دیگر خواهند شد. در صحنه اقتصاد جهانی، واردکنندگان خالص نفت بهره خواهند بود و صادرکنندگان خالص نفت ضرر خواهند کرد چون قیمت های جهانی به دلیل اضافه شدن مقدار نفتی که در بازار جهانی فروخته می شود به اندازه 14 درصد واقعی کاهش خواهند یافت. اینکه یک میلیون بشکه اضافی می تواند چنین افت قابل توجهی در قیمت های نفت ایجاد کند به دلیل انعطاف پایین عرضه و تقاضای نفت است (شکل 1 ضمیمه).

شکل 1 ضمیمه. پیامدهای لغو تحریم های ایران بر قیمت های نفت



بهره و منافع حاصل برای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا که هر دو واردکننده خالص نفت هست به لحاظ قطعی قابل توجه بوده و معادل 74 میلیارد دلار آمریکا و 37 میلیارد دلار آمریکا می باشند اما به لحاظ نسبی و بصورت بودجه رفاهی سرانه تنها نیم درصد در اتحادیه اروپا و یک سوم درصد در ایالات متحده آمریکا می باشند. زیان برای اعضای اوپک، به ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از بقیه کشورها بیشتر است و پیش بینی می شود که 4.4 درصد بودجه سرانه رفاهی (معادل 62 میلیارد دلار آمریکا به قیمت های 2011) از دست بدهند. بودجه سرانه رفاهی برای سایر اعضای اوپک و روسیه به ترتیب به میزان 3 درصد (22 میلیارد دلار) و 1.8 درصد (34 میلیارد دلار) کاهش می یابد. کاهش هزینه های تجاری ایران اثری برای بقیه کشورهای جهان ندارند چون که سهم ایران از صادرات غیرنفتی جهان ناچیز است.

لغو تحریم های نفتی اتحادیه اروپا باعث توسعه بخش نفت ایران شده و قیمت واقعی سرانه را به میزان 8 درصد افزایش خواهد داد (بخش نفت شدیداً نیازمند سرمایه است) و دستمزد نیروهای کار ماهر و غیرماهر ایران را در حد کمتری بالا خواهد برد (به ترتیب 1.1 و 0.4 درصد). افزایش دستمزد ناشی از هزینه کردن درآمدهای نفتی است و نه از پیامدهای مستقیم توسعه بخش نفت چون شمار کارکنان بخش نفت در مقایسه با کل نیروهای کار در ایران ناچیز است. افزایش حجم کلی تجارت بخاطر کاهش هزینه های تجاری به معنی بالا رفتن دستمزدها بخصوص برای نیروهای کار ماهر است.

بطور کلی انتظار می رود دستمزد نیروهای کار ماهر و غیرماهر با لغو تحریم های ایران به ترتیب تا 2 و 0.5 درصد بالا برود. واکنش عرضه به کاهش هزینه های تجاری قابل چشمپوشی است اما افزایش حجم صادرات، اگرچه از یک رقم پایه کوچک، قابل توجه خواهد بود: 19 درصد برای محصولات کشاورزی و غذایی، 33 درصد برای فلزات و محصولات معدنی، 13 درصد برای ماشین آلات، 18 درصد برای منسوجات، 24 درصد برای تولیدکنندگان سبک، 10 درصد برای بخش تأمین مالی و بیمه، 7 درصد برای خدمات حمل و نقل و 18 درصد برای گردشگری و تفریحات.

ضمیمه 2. برآورد زیان درآمد صادراتی ایران بر اثر تحریم ها

تحریم های بین المللی به ویژه در سه سال گذشته شدیداً بر تجارت ایران اثر گذاشته اند. در تحلیل های (Mottaghi, 2015) این بخش سعی شده است دامنه کمی اثر تحریم ها بر جریان دوطرفه تجاری میان ایران و شرکای تجاری عمده آن بررسی گردد. در تحلیل از یک مدل اصلاح شده وزن تجاری (Hufbauer و همکاران، 1997) برای تخمین پیامدهای کلی تحریم های تجاری استفاده شده است و نتایج کار برای محاسبه میزان عایدی ایران از محل صادرات پس از لغو تحریم ها بکار برده شده اند. متغیر وابسته در این مدل، جریان های صادرات و واردات بیان شده به دلار آمریکا می باشد. متغیرهای مستقل لگاریتم GNP (در اینجا درآمد) برای یک جفت کشور، مسافت، زبان میان جفت کشورهائی است که اطلاعات موجود بوده اند. یک سری متغیر موهومی نیز برای ثبت پیامدهای تحریم های تجاری بر تجارت دوطرفه میان دو مجموعه کشور اضافه کرده ایم. این متغیرها در سال های 2012، 2013 و 2014 که تحریم ها تشدید شده اند یک و برای بقیه سال ها صفر می باشند. مدل لگاریتمی خطی است و تمام متغیرها بصورت لگاریتم طبیعی می باشند.

مجموعه داده ها شامل 28 کشور بوده (در جدول 1 و 3 ضمیمه فهرست شده اند) و برای دوره 2000 - 2014 بصورت سالیانه می باشند. رگرسیون ها بر اساس مدل پیامدهای ثابت کنترل کننده برای درآمد و متغیرهای موهومی کشور می باشند. برای سادگی تحلیل، شرکای تجاری ایران به دو دسته تقسیم شده اند؛ جهانی و منطقه ای (منطقه گسترده MENA، شامل کشورهای همسایه در جنوب آسیا و آسیای میانه). اطلاعات و داده های تجاری برگرفته از آمار رویکردهای تجاری صندوق بین المللی پول (IMF DOTS) هستند؛ و اطلاعات GNP از شاخص های توسعه جهانی بانک جهانی و چشم انداز اقتصاد جهانی IMF گرفته شده و به دلار آمریکا می باشند. نتایج رگرسیون در جداول 1 و 2 ضمیمه گزارش شده اند.

قدرت کلی تشریحی مدل که با R^2 ما و R^2 تنظیم شده و نیز مقادیر F شرح داده اند قوی می باشند. به دلیل شکل لگاریتمی مدل، ضرائب متغیرهای مستقل را می توان بعنوان کشش در نظر گرفت. بعنوان مثال، یک درصد تغییر در GNP صادرکننده با یک درصد تغییر در جریان های تجارت دوطرفه بر اساس ضریب رگرسیون آن متغیر متناظر خواهد بود. ضرائب موهومی بصورت شوک های وارده به بخش بر اثر تشدید تحریم ها تفسیر می شوند. برای منظور تحلیل، نمای ضریب متغیر موهومی را برای جفت کشورها برداشته و آنرا بعنوان شوک به بخش در نظر می گیریم چون صادرات/واردات (متغیر وابسته) به شکل لگاریتمی بیان شده است. در نتیجه ضرائب متغیرهای موهومی را می توان بعنوان جابجائی های درصد در متغیر وابسته وقتی موهومی ارزش 1 دارد تلقی کرد. بعنوان مثال اگر ضریب یک متغیر موهومی 0.5- باشد، متغیر موهومی ارزش 1 را به خود می گیرد، ارزش عدد طبیعی e به نمای 0.5- برابر 0.60 است (مبنای e به نمای 0.5 $= 0.60$). این بدان معنی است که تجارت دوطرفه در نتیجه تحریم ها تنها 0.60 برابر یا 40 درصد پایین تر بوده است. برای این مطالعه نمای ضریب رگرسیون را برای هر یک از این متغیرها برداشته (صادرات و واردات) و یک را از آنها را منها کرده ایم تا درصد تغییر کل صادرات و واردات بدست آید.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که تشدید تحریک‌ها تأثیر گسترده‌ای بر جریان‌های تجاری میان ایران و شریک عمده تجاری آن داشته و در طول 2012 - 2014 بطور پیوسته آنرا کاهش داده است (بخش تجارت دوطرفه را ملاحظه کنید). در نبود این تحریم‌ها، جریان‌های تجاری حداقل 17.1 میلیارد دلار بیشتر می‌بودند.

نتایج تخمین‌ها برای صادرات

جدول 1 ضمیمه

شرکای جهانی				شرکا در حوزه گسترده تر MENA			
T-Stat	خطای استاندارد	Log (GNP _i *GNP _j)	کشور	T-Stat	خطای استاندارد	Log (GNP _i *GNP _j)	کشور
4.8	0.1	0.5	ژاپن	5.8	0.1	0.6	مصر
7.0	0.1	0.8	کره جنوبی	8.4	0.2	1.6	هند
5.9	0.1	0.5	ایتالیا	-1.5	0.1	-0.1	اردن
4.1	0.0	0.9	چین	2.4	0.0	0.1	لبنان
3.4	0.1	0.4	سنگاپور	-0.8	0.5	-0.4	مراکش
4.1	0.1	0.4	آلمان	5.3	0.1	0.6	عمان
3.0	0.1	0.4	فرانسه	7.4	0.1	0.7	پاکستان
-1.5	0.8	-1.2	آمریکا	6.0	0.1	0.4	قطر
5.6	0.2	1.0	بریتانیا	9.3	0.1	0.7	روسیه
3.2	0.2	0.7	هند	12.5	0.1	0.9	عربستان سعودی
4.0	0.2	0.7	هنگ کنگ	5.4	0.1	0.5	سوریه
				18.4	0.0	0.8	تاجیکستان
				2.7	0.2	0.6	تونس
				14.0	0.1	0.9	ترکیه
				6.3	0.1	0.4	ترکمنستان
				21.9	0.0	0.5	امارات متحده عربی
				4.3	0.1	0.2	یمن

تذکره: 2* برای تمام رگرسیون‌ها بین 0.80 تا 0.98 بوده است. در این مطالعه از رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده کرده ایم. متغیرهای مستقل لگاریتم (GNP_i*GNP_j) تولید ناخالص ملی (در اینجا درآمد) برای هر جفت کشور و متغیر وابسته، لگاریتم صادرات میان دو کشور است که بر حسب دلار آمریکای فعلی کشور A و کشور Z بیان شده است.

نتایج تخمین ها برای واردات

جدول 2 ضمیمه

شرکای جهانی			شرکا در حوزه گسترده تر MENA		
T-Stat	خطای استاندارد	Log (GNP _i *GNP _j)	T-Stat	خطای استاندارد	Log (GNP _i *GNP _j)
12.1	0.04	0.5	3.2	0.4	1.2
					افغانستان
12.1	0.6	0.8	1.4	0.2	0.2
					بحرین
4.2	0.07	0.3	7.6	0.1	1.0
					مصر
10.5	0.1	0.8	6.1	0.1	0.6
					هند
6.3	0.1	0.7	0.3	0.3	0.1
					اردن
3.6	0.1	0.4	1.6	0.4	0.7
					عراق
2.95	0.1	0.4	8.5	0.1	1.0
					کویت
4.4	0.2	0.8	6.1	0.1	0.6
					هند
1.0	0.3	0.3	1.1	0.4	0.5
					لبنان
6.8	0.0	0.5	12.2	0.1	0.8
					پاکستان
13.2	0.1	1.4	17.1	0.1	1.9
					عمان
			1.5	0.1	0.2
					روسیه
			1.4	0.2	0.2
					عربستان سعودی
			2.9	0.3	0.9
					سوریه
			8.4	0.1	0.9
					تاجیکستان
			-1.1	-0.5	-0.5
					تونس
			11.1	0.1	0.9
					ترکیه
			17.7	0.0	1.0
					امارات متحده عربی
			2.4	0.1	0.3
					ازبکستان

تذکر: R² برای تمام رگرسیون ها بین 0.80 تا 0.98 بوده است. در این مطالعه از رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده کرده ایم. متغیرهای مستقل لگاریتم (GNP_i*GNP_j) تولید ناخالص ملی (در اینجا درآمد) برای هر جفت کشور و متغیر وابسته، لگاریتم صادرات میان دو کشور است که بر حسب دلار آمریکای فعلی کشور آ و کشور ز بیان شده است.

ضمیمه 3. توان بالقوه ایران برای رشد صادرات پس از تحریم ها

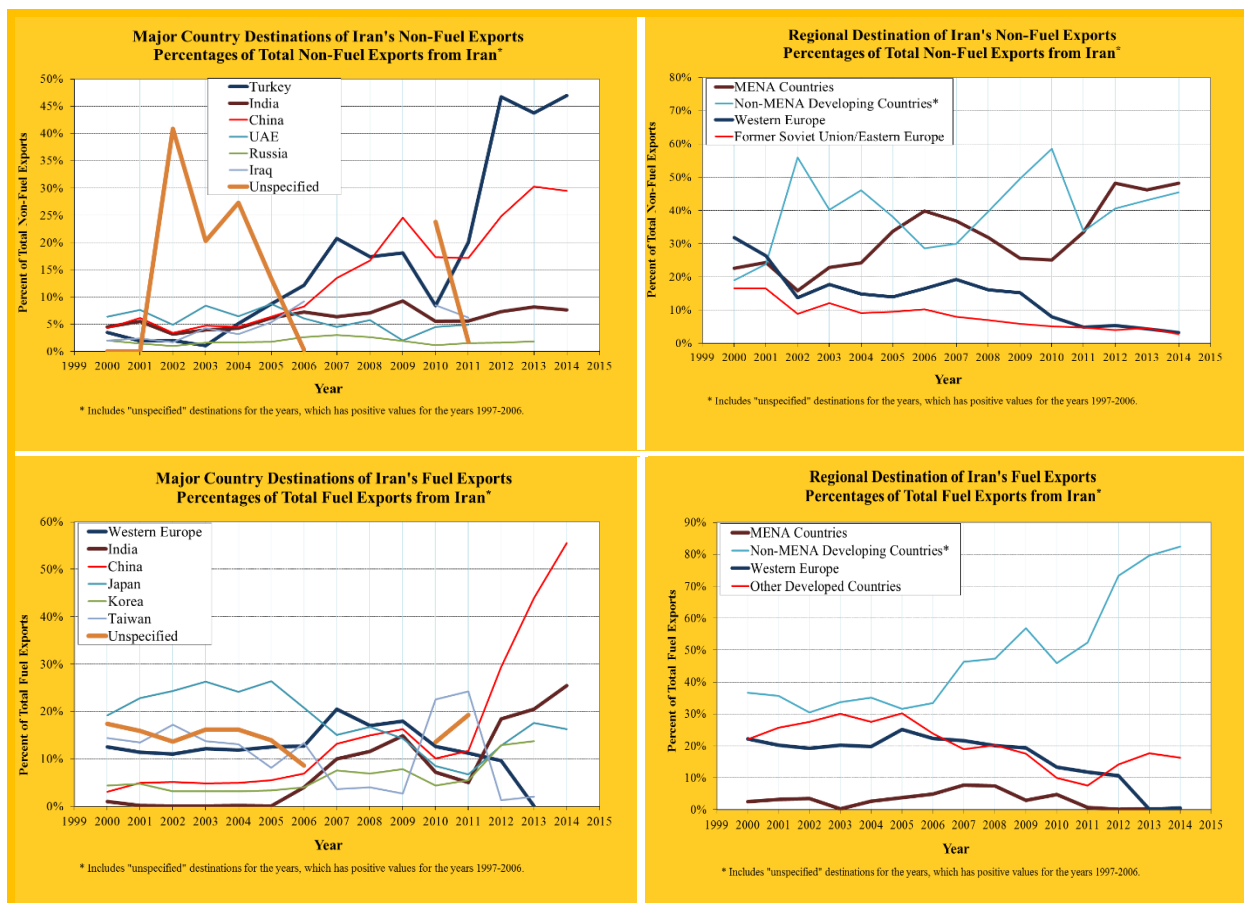
لغو تحریم های بین المللی ایران می تواند فرصت اقتصادی بزرگی برای کشور باشد تا به مدد آن نه تنها از رکود عمیق خارج شود بلکه بتواند یک روند جدید رشد بلندمدت را آغاز نماید. جمعیت ایران نسبتاً جوان و تحصیلکرده هستند و در صورت دسترسی کشور به سرمایه، فن آوری و فرصت های بازار می توانند نیروهای کار بسیار پراندامی باشند. کشور دارای زیرساخت های مطلوب و منابع طبیعی فراوان است که باعث تسهیل روند تولیدات می شوند. علاوه بر این، ثروت عظیم طبیعی و بدهی خارجی ناچیز کشور می تواند دسترسی به سرمایه و اعتبار را تضمین نماید. در چند سال گذشته، تحریم های شدید بین المللی و سیاست های پرنقص اقتصادی باعث فرونشاندن رشد اقتصادی کشور شده اند. اما حالا با چشم انداز لغو تحریم ها، پرسش کلیدی این است که کدام سیاست ها می توانند به ایران کمک کنند تا پتانسیل های قابل توجه اقتصادی خود را محقق سازد. به ویژه، سیاست های تجاری و صنعتی نقش اساسی در بهره برداری ایران از فرصت های آتی در بازار بین المللی داشته و می توانند بر رشد بلندمدت کشور اثر مثبت داشته باشند. این سیاست ها می توانند به گونه ای طراحی گردند که صنایع پویای صادرات محور را بعنوان قوای محرکه رشد ارتقاء دهند. اما این خطر نیز وجود دارد که با افزایش صادرات منابع و ذخائر در دسترس، ارزش واقعی واحد پول ایران بطور قابل ملاحظه افزایش یافته و صادرات غیرسوختی مورد بی توجهی قرار گیرند.

ایران به یک بخش صادرات پویا نیاز دارد تا بتواند نرخ های رشد اقتصادی و تنوع بخشی مد نظر را محقق بسازد و نرخ بیکاری بالای خود را کاهش داده و شکوفائی اقتصادی را برای نیروی کار جوان و تحصیلکرده خود به ارمغان آورد. لغو تحریم های بین المللی فرصت هائی برای توسعه صادرات پدید می آورد. اما این امر می تواند منجر به بالا رفتن قابل توجه ارزش واقعی واحد پول ایران شود که در تحقق هدف عملکرد صادرات نقش تعیین کننده دارد. این اتفاق در گذشته نیز رخ داده است و تلاش دولت برای حل مشکل از طریق تخصیص یارانه با موفقیت توأم نبوده و قابل اتکاء نیست. برای بهبود عملکرد صادرات و تضمین مفید و سودمند بودن کلی آن برای اقتصاد، گام کلیدی پرداختن به مسئله بالا رفتن ارزش واقعی در حله اول است. شاید بخاطر درآمدهای سرشار ایران از منابع خود که ارزش واحد پول کشور را بالا می برند این امر قابل اجتناب به نظر نرسد. اما نرخ تبدیل واقعی به عرضه کالاها و خدمات غیرمبادله ای محلی نیز بستگی دارد. اگر نیروی کار و سایر عوامل محلی بکار رفته در تولید دارای بهره وری مطلوب باشند می توانند حتی در صورت ورود گسترده ارز خارجی باعث تقویت کیفیت رقابتی صنایع محلی گردند.

برای دست یافتن به این مهم دولت ابتدا باید در دسترس بودن و راندمان خدمات خود را بهبود بخشد. خدمات عمومی یکی از مهم ترین عوامل غیرمبادله ای تعیین کننده رقابتی بودن یک اقتصاد هستند. خدمات دولتی مؤثر و قابل اطمینان نه تنها باعث رضایت و خوشحالی شهروندان هستند بلکه به بالا رفتن بهره وری و ایجاد کیفیت رقابتی در سطح جهانی کمک می کنند. این شامل سیاست های تجاری با محدودیت کمتر و همگام سازی روال های صادرات و واردات و نیز صدور مجوزها و پروانه های لازم برای فعالیت های تجاری است. یک جنبه دیگر خدمات دولتی برای توسعه صادرات، ارائه اطلاعات تجاری و ایجاد امکان دیدارهای حرفه ای جهت آشنائی صاحبان مشاغل، به ویژه سازمان های کوچک و متوسط، از طریق دفاتر کنسولی در سراسر جهان است. یک گام مرتبط اما بلندمدت تر، بهبود روال های دادگاهی و اطمینان پذیری است تا بتوان مطمئن بود اختلافات سریع و عادلانه مورد رسیدگی قرار می گیرند.

یک وجه دیگر سیاست‌ها باید به زیرساخت‌ها بپردازد. زیرساخت‌های ایران برای سطح کنونی فعالیت اقتصادی از جنبه‌های بسیاری مناسب هستند. اما اگر رشد اقتصادی شتاب بگیرد، بخش‌هایی از زیرساخت‌ها مانند فرودگاه‌ها، بندر، جاده‌ها و سیستم تأمین آب می‌توانند بسرعت مشکل ساز گردند. همچنین برخی از زیرساخت‌ها از قبیل اینترنت و خدمات مخابرات همراه در وضعیت فعلی خود مانع و محدودیت هستند و باید توسعه داده شده و بروز گردند. از آنجائیکه ایجاد زیرساخت‌های قابل اطمینان و مؤثر به زمان نیاز دارد، دولت باید با فوریت در این خصوص برنامه‌ریزی و اقدام نماید.

شکل 2 ضمیمه. مقصد صادرات ایران



منبع: محاسبه شده بر اساس مجموعه اطلاعات راهکارهای یکپارچه تجارت جهانی (WITS)، wits.worldbank.org

سومین بخش سیاست‌های توسعه صادرات در ایران باید به حمایت از فعالیت‌ها در راستای تولیدات فن آوری بالا و آموزش نیروی کار بپردازد. با توجه به درآمدهای ایران از محل منابع و بالا بودن سطوح درآمدها، نیروهای کار ایران نمی‌توانند در فعالیت‌هایی که بیشتر کشورهای کم درآمد و دارای درآمد متوسط دنبال می‌کنند رقابتی باشند. شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی ایران می‌بایست هدف‌های بالاتری را از لحاظ کیفیت محصولات و فن آوری برای خود تعیین نمایند و در مسیر تلاش‌های خود برای رقابتی شدن به قدرت ابتکار و نوآوری خود اتکاء داشته باشند.

این امر می تواند حتی در کوتاه مدت یک هدف قابل دستیابی باشد چون بازار ایران تاحدی منزوی بوده و متخصصان تحصیل کرده فراوانی دارد که برای تأمین نیازهای فن آوری خود به ابداعات روی آورده اند. افراد با استعداد را می توان سازمان دهی کرد تا قدرت ابتکار و نوآوری آنها تقویت گردد. از کمک های کارفرمایان ایرانی در خارج از کشور نیز می توان در تأمین مهارت های تکمیلی لازم و ارتباطات جهانی استفاده کرد. البته تعداد زیادی از این کارآفرینان از قبل سازمان دهی کرده و تلاش هائی جهت ارتباط با نوآوران در داخل ایران صورت داده اند.

جدول 3 ضمیمه. شاخص های اقتصاد کلان ایران

نرخ رشد نفت (%)	رشد GDP غیرنفتی (%)	رشد GDP (%)	
-22.3	-0.9	-9.4	1979
-67.3	-0.3	-23.2	1980
6.9	-7.0	-5.0	1981
128.1	2.1	22.8	1982
2.0	13.1	9.7	1983
-20.5	-2.4	-7.6	1984
1.8	1.8	1.8	1985
-13.7	-8.5	-9.8	1986
14.4	-4.1	0.2	1987
8.8	-10.4	-5.3	1988
6.3	5.7	5.9	1989
19.4	11.7	14.0	1990
13.4	11.8	12.3	1991
0.4	4.3	3.1	1992
5.0	-0.3	1.4	1993
-6.1	1.6	-0.9	1994
1.1	3.4	2.7	1995
0.6	7.5	5.4	1996
-5.7	3.5	0.8	1997
2.1	2.2	2.2	1998
-6.3	4.7	1.7	1999
8.8	4.6	5.7	2000
-10.5	6.4	2.1	2001
2.4	9.8	8.1	2002
14.5	6.7	8.4	2003
2.4	5.3	4.6	2004
0.1	8.1	6.3	2005
2.2	7.1	6.1	2006
1.1	9.4	7.7	2007
-0.8	1.0	0.6	2008
-5.4	2.8	1.3	2009
4.2	7.0	6.5	2010
-1.0	5.4	4.3	2011
-37.4	-0.9	-6.8	2012
-8.9	-1.1	-1.9	2013

نرخ رشد خدمات (%)	نرخ رشد ساخت و ساز (%)	نرخ رشد تولید و معادن (%)	نرخ رشد کشاورزی (%)	
-0.6	-23.1	-19.5	6.1	1979
-1.1	-2.2	1.9	3.7	1980
-11.0	-19.0	-8.6	1.8	1981
-2.3	11.3	5.4	7.1	1982
8.3	22.6	17.8	4.6	1983
-1.4	-19.1	-6.8	7.3	1984
2.1	-7.9	-4.9	7.9	1985
-14.2	13.6	4.1	4.8	1986
-7.8	-5.6	1.8	2.5	1987
-9.2	-34.3	-17.3	-0.6	1988
6.7	-0.5	2.2	4.3	1989
10.6	3.0	17.5	11.0	1990
10.4	29.3	23.6	5.6	1991
4.1	5.6	2.0	10.3	1992
0.5	0.2	-2.2	1.0	1993
2.3	-1.4	2.1	2.1	1994
3.1	-6.4	-1.9	3.7	1995
5.8	19.7	17.9	3.3	1996
4.5	-6.4	4.4	1.0	1997
3.4	-7.6	-3.8	10.6	1998
3.1	12.5	11.0	-7.3	1999
3.0	8.8	10.2	3.5	2000
5.1	14.0	13.2	-2.3	2001
7.1	18.8	14.3	13.6	2002
7.6	-1.1	6.6	5.0	2003
7.5	0.3	3.2	0.3	2004
8.4	2.7	7.7	11.3	2005
8.9	-3.3	5.2	5.6	2006
11.0	23.0	8.0	2.9	2007
0.4	13.1	6.7	-23.0	2008
2.6	-3.2	4.2	9.6	2009
6.7	1.0	7.9	4.9	2010
5.8	2.5	5.0	-0.1	2011
1.1	-3.6	-6.4	3.7	2012
-1.5	-3.1	-2.9	4.7	2013

موجودی سرمایه خالص، برق، گاز و آب (میلیارد ریال)	موجودی سرمایه خالص، نفت و گاز (میلیارد ریال)	موجودی سرمایه خالص، مجموع (میلیارد ریال)	نرخ تورم (%)	نرخ بیکاری (%)	
197364	175819	2738353	1978
201841	180327	2891706	1979
206572	174241	3027262	1980
215655	174037	3126699	1981
225122	175430	3198708	1982
237690	183758	3355789	1983
249810	189124	3505982	1984
254665	175669	3559568	1985
253244	166204	3530435	...	14.2	1986
253468	151415	3564523	1987
253043	145286	3545968	1988
255940	140359	3588509	1989
255853	138690	3568450	1990
271476	139152	3720992	1991
279842	137030	3854575	1992
295318	135366	3943487	1993
302912	136158	4000791	1994
309161	137229	4043842	1995
313182	147200	4139621	...	9.1	1996
318110	156044	4253212	...	13.1	1997
319549	164490	4366981	...	12.5	1998
319536	181015	4489635	20.1	13.5	1999
321085	197321	4630609	12.6	14.3	2000
325672	217988	4843668	11.4	14.2	2001
333910	230491	5073888	15.8	12.8	2002
342706	243732	5318709	15.6	11.8	2003
350804	263142	5583078	15.2	10.3	2004
364660	286071	5855058	12.1	11.5	2005
376151	302228	6102945	11.9	11.3	2006
390591	322509	6391414	18.4	10.5	2007
408202	342772	6727578	25.4	10.4	2008
427743	365276	7067326	10.7	11.9	2009
446687	365335	7416106	12.4	13.5	2010
462276	351457	7770045	21.5	12.3	2011
465164	342802	7939219	30.5	12.1	2012
...	34.7	10.4	2013

صادرات غیرنفتی (میلیون دلار)	واردات فوب، کالا (میلیون دلار)	صادرات فوب، کالا (میلیون دلار)	حساب جاری (%GDP)	کسری/مازاد بودجه (%GDP)	مجوزهای ساخت صادر شده، تمامی مناطق شهری	
...	-11.2	71637	1978
...	-8.2	114021	1979
...	-14.3	152120	1980
...	-11.5	155543	1981
...	-6.2	116785	1982
...	-6.6	140826	1983
...	-4.3	148533	1984
...	-4.1	129670	1985
...	-9.0	113116	1986
...	-7.6	107127	1987
...	-9.7	93345	1988
...	-4.2	118516	1989
...	-1.1	105483	1990
...	-2.1	105356	1991
...	-1.2	94860	1992
...	-0.6	108879	1993
...	0.2	123236	1994
...	0.1	135415	1995
...	0.1	138645	1996
2670	14622	18602	2.0	-1.0	130510	1997
2445	15014	13104	-3.8	-4.8	132894	1998
2905	13442	20882	4.8	-0.1	138843	1999
3519	15860	28475	9.2	-0.1	136307	2000
3836	18969	23989	1.5	0.0	146033	2001
4325	22576	28110	1.7	-3.6	161333	2002
5585	30141	33992	-0.5	-3.5	148941	2003
6386	38762	43835	-0.1	-3.1	135973	2004
8734	43382	64525	8.0	-3.1	129729	2005
11525	49987	76190	9.2	-6.2	172602	2006
13162	58240	97667	11.4	-3.1	208922	2007
14670	70175	101289	6.4	-5.6	176683	2008
18369	69247	88326	2.6	-4.2	139458	2009
22597	75458	112788	6.5	-1.1	180994	2010
26658	78027	145806	11.1	-0.8	191382	2011
29213	68712	97271	4.7	-0.6	186809	2012
28226	60047	93015	...	-0.9	...	2013

نرخ غیررسمی (دلار آمریکا/ریال ایران)	نرخ رسمی (دلار آمریکا/ریال ایران)	صادرات نفت خام (هزار بشکه در روز)	تولید نفت خام (هزار بشکه در روز)	GDP (میلیارد دلار آمریکا فعلی)	
100	70	3455	4252	...	1978
141	70	2632	3433	...	1979
200	71	770	1476	101	1980
270	80	791	1441	115	1981
350	84	1686	2684	144	1982
450	87	2045	2709	176	1983
580	92	1607	2371	182	1984
614	88	1460	2504	86	1985
742	77	1250	2176	90	1986
991	70	1546	2460	104	1987
966	69	1647	2557	91	1988
1207	72	1823	2947	88	1989
1412	67	2224	3231	92	1990
1420	68	2460	3366	105	1991
1498	1459	2397	3484	124	1992
1806	1653	2184	3609	93	1993
2635	1750	2220	3603	73	1994
4036	1750	2290	3612	98	1995
4446	1754	2441	3610	120	1996
4782	1755	2342	3623	115	1997
6468	1755	2300	3666	106	1998
8634	1755	2079	3373	113	1999
8131	1755	2345	3660	104	2000
7925	1755	2208	3574	127	2001
7991	7958	2021	3305	129	2002
8323	8282	2396	3736	152	2003
8747	8719	2548	3834	181	2004
9042	9023	2602	4106	218	2005
9226	9195	2433	4051	258	2006
9357	9285	2480.5	4058	337	2007
9667	9574	2370.8	3946	391	2008
9979	9920	2056	3557	397	2009
10601	10339	2021	3536	464	2010
13568	10962	2032.7	3619	564	2011
26059	12260	1803.1	3732	419	2012
...	380	2013

منبع: بانک مرکزی ایران و IMF.

بانک جهانی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

فصلنامه گزارش اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ، شماره 5، جولای 2015

پیامدهای اقتصادی لغو تحریم های ایران

<http://www.worldbank.org/en/region/mena/publication/mena-quarterly-economic-brief>